



ارگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۷
یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵۰ ریال

پیمان با خون شهدای ۱۷ شهریور برای ادامه نبرد با آمریکا!

امپریالیسم آمریکا همه روزهای ایران را جمعه و همه جمعه‌ها را خونین میخواند.

خون آزاد مردان و آزادیخواهان که با فریاد «مرگ بر شاه» «مرگ بر آمریکا» به استقبال کلوله‌های آمریکائی رفتند، هنوز برخاک وطن جاری است.

این خون که از دهان زنان و مردان زحمتکش ایران جوشید و با خون همه خلقهای جهان، که درخیمان آمریکائی بسر خاکشان کشیده‌اند، در شط تاریخ میگرد، تا لاشه عفتونی امپریالیسم را از سر راه انسان به زیالهدان تاریخ اندازه، اکنون در دسالتکی خویش با فریاد «مرگ بر آمریکا» از میدان شهدا جاری میشود، و در مسیر خود، همه خلقهای ایران را به وحدت میخواند.

دو سال پیش، در روزی چون امروز، ۱۶ شهریور، رامپیمائی عظیم توده‌ها در تهران، زیر ضربکوب پاها، با این قرار پایان گرفت: «فرار صبح، میدان شهدا!» در این راه پیمائی، شعار «مرگ بر شاه»، شعار سسی ملین خروشان شمار «مرگ بر آمریکا» بگوش می رسید. توده‌ها اعلام می‌داشتند که فریب دولت «آشتی‌مس» را نخورده‌اند. آنها خواستار سرنگونی شاه بودند. شاه سابق، آنچنانکه در کتاب خویش، «پاسخ به تاریخ»، اعتراف کرده است، در برابر خشم توده‌ها دست بدامان ارباب شد. از کارتر نظر خواست. همان شب اردشیرزاهدی با دستور امپریالیست‌های آمریکائی به ایران آمد و دستور این بود: شاه ابلاغ کرد. دستور این بود: کشتار...

امپریالیسم جنایتکار آمریکا، چون سراسر تاریخ تکین خود، می‌کوشید با کشتار توده‌ها، آب رفته را به جوی تاریخ بازگرداند. در اجرای این دستور، صبح‌روز بعد، دست رقیبه مردم در خیابانها بودند، شاه سابق اعلام حکومت نظامی کرد. فرمان کشتار بدست اویسی جلاد داده شده بود. مردم در میدان شهدا اجتماع کردند. شهر از طنین فریادهای «مرگ بر شاه، مرگ بر آمریکا» می‌لرزید. تهدیدهای درخیمان بی‌نرم ماند و آنگاه به فرمان مستقیم شاه جلاد، توده‌های خلق، که در پیشاپیش آنها صفوف زنان و کودکان قرار داشت، به رگبار مسلسلای آمریکائی بسته شدند: ژاله خون شد. خونی که تخت سلطنت را سرانجام واژگون کرد.

امروز این خونی که با خون هزاران شهید دیگر انقلاب پیوند خورده است، با فریاد «مرگ بر آمریکا»، می‌شود و می‌تازد. امروز، شاه، دیگر جزو تاریخ تکین ۲۵۰۰ ساله است، اما آمریکا، جلاد میدان ۱۷ شهریور، اویسی خون‌آشمار، همان جلادان دیگر، بی‌سج می‌کند. خاک ایران، از هر جا که محل نفوذ امپریالیسم است، محاصره شده است. امپریالیسم آمریکا، که از تاریخ پند نگرفته است، و نمیتواند بگیرد، امپریالیسم آمریکا که در سراسر جهان هزاران «جمعه خونین» بوجود آورده است، جنگ و دندان تیز می‌کند. امپریالیسم آمریکا به قیمت «جمعه خونین» دیگری، به مقیاس سراسر ایران، میخواهد به وطن ما باز گردد. امپریالیسم آمریکا همه روزهای ایران را جمعه و همه جمعه‌های را خونین میخواهد، تا بهشت از دست رفته خویش را بدست آورد. بیاید!

با مردم مشورت کنید!

مردم را در سر نوشت خودشان دخالت دهید

باید با مردم مشورت کرد و با شرکت مردم و بدست خود مردم مسائل را حل و فصل نمود، بویژه درجائی که مسئله‌بازندگی روزمره مردم مربوط میگردد.

مشورت با مردم خواستی است که اصل اسلام انقلابی و شوراهم فرالام، آنرا مطرح کرده است. اصل مشورت با مردم بنیاد حاکمیت مردمی، حاکمیت جمعی و نظام شوراهای را تشکیل میدهد و بزرگترین سد و مانع را در راه ظهور دیکتاتوری و جدانشدن حکومت از مردم و قرار گرفتن آنان در برابر یکدیگر را بپوشاند می‌آورد. مشورت با مردم بویژه تصمیم گیری با شرکت مردم، روشنی و اتحاد و اعتماد می - آفریند، جلوی سوء تفاهمها و بیگانگی‌ها را میگیرد، شور و شوق بوجود می‌آورد و نیروها را بسیج میسازد. مشورت با مردم به یافتن درست‌ترین راه حل کمک میکند و درحقیقت معجزه می - آفریند.

مشورت با مردم و درجریان گذاشتن مردم در امور کشورداری بقدری مهم و مؤثر است که حتی در دشوارترین شرایط و سخت‌ترین اوضاع و احوال نیز هیچ عدو پنهانی نمیتواند از آن عدول کرد و این کلید موفقیت را فراموش نمود. بزرگترین رهبران انقلابهای جهانی در سخت‌ترین کیروادارها همیشه از مردم مشورت خواسته‌اند.

یکی از جهات برجسته انقلاب بزرگ ایران این بود که به حکومت خودسرانه شاه جبار پان داد حکومتی که مردم زحمتکش و محروم ایران را جز مشتاقان بی‌حقوق ولی مؤلف و مکلف به اطاعت و باربرداری چیز دیگری نمی‌شرد.

انقلاب بزرگ ایران نظامی آفرید که نهادهای انقلابی آن جوشیده از همین مردم کارخانه و مزرعه و مسجد و مدرسه و کوچه و بازار است و این نهادها چون از خود مردم جوشیده‌اند، نباید و نمیتواند بیوند ذاتی خود را با این مردم قطع کنند.

از تعطیل دانشگاهها قبل از همه و پیش از همه فرزندان طبقات و اقشار کم درآمد زیان می بینند

صفحه ۷

درب ابر توطئه و تجاوز رژیم بعثی عراق علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحد شویم

رژیم سفاک بعثی سر به اعتراض و قیام بر میدارد و یا به دفاع و پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران و اعلام خصمی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبارز میوزند. راندن ایرانیان از عراق، ایجاد اختلال هرچه بیشتر در اقتصاد و بازار استان - های مرزی، خریدن و بغارت بردن فلزات قیمتی از مرزهای ایران، خریدن و بردن اسلحه و اتمام از خاک ایران، بدست گرفتن بازارهای مناطق مرزی و سرازیر کردن کالا از عراق به این مناطق، وابسته کردن بازار و زندگی مردم این مناطق به پول و بازار عراق و کوشش برای ایجاد اختلال در صنعت نفت ایران و رژیم فرسایشی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد و هر روز ابعاد وسیعتری بخود میگیرد. تجاوز مسلحانه ارتش عراق به مرزهای ایران و کلوله باران کردن شهرها و قراء مرزی، ایجاد گروههای مسلح مزدور و تروریست و خرابکار در داخل ایران و اعزام چنین گروههای از عراق به خاک ایران، تقویت نیروهای ضد انقلابی در داخل ایران بویژه در استانهای مرزی با پول و سلاح و کار - سانسان نظامی و تخریبی، بخش وسیع تبلیغات سرتاپا دروغ و استراکونی رادیویی و دیسکری شکل تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب و یکر مسئولان مملکتی، تشدید نار و اختناق در داخل عراق لیه گروههای سیاسی و مذهبی مترقی و میهن پرست، که علیه

رژیم سفاک بعثی سر به اعتراض و قیام بر میدارد و یا به دفاع و پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران و اعلام خصمی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبارز میوزند. راندن ایرانیان از عراق، ایجاد اختلال هرچه بیشتر در اقتصاد و بازار استان - های مرزی، خریدن و بغارت بردن فلزات قیمتی از مرزهای ایران، خریدن و بردن اسلحه و اتمام از خاک ایران، بدست گرفتن بازارهای مناطق مرزی و سرازیر کردن کالا از عراق به این مناطق، وابسته کردن بازار و زندگی مردم این مناطق به پول و بازار عراق و کوشش برای ایجاد اختلال در صنعت نفت ایران و رژیم فرسایشی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد و هر روز ابعاد وسیعتری بخود میگیرد. تجاوز مسلحانه ارتش عراق به مرزهای ایران و کلوله باران کردن شهرها و قراء مرزی، ایجاد گروههای مسلح مزدور و تروریست و خرابکار در داخل ایران و اعزام چنین گروههای از عراق به خاک ایران، تقویت نیروهای ضد انقلابی در داخل ایران بویژه در استانهای مرزی با پول و سلاح و کار - سانسان نظامی و تخریبی، بخش وسیع تبلیغات سرتاپا دروغ و استراکونی رادیویی و دیسکری شکل تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب و یکر مسئولان مملکتی، تشدید نار و اختناق در داخل عراق لیه گروههای سیاسی و مذهبی مترقی و میهن پرست، که علیه

کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران را متوقف کنید!

در روزهای اخیر کارزاری برپایه دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران انجام میگردد که صرف نظر از اینکه مایه تعجب و تاسف است، بویژه شوال انگیز است.

از «کشف خانه تیمی حزب توده در پوشش موسسه نشر کتاب» از «پایگاههای حزب توده در لوای انتشارات» از «کشف اعلامیه های حزب توده علیه انقلاب اسلامی ایران» و ... سخن میرود، که ضبط نشريات حزب توده ایران توده ایران را نیز به دنبال حزب توده ایران را نیز به دنبال حزب اخبار همزمان و در ارتباط با کشف و ضبط نشريات سازمان پیکار و توقیف عده ای از وابستگان آن بجرم فعالیتای سیاسی علیه انقلاب منتشر میشود.

ما درباره بی‌بایگی این اخبار و اتهامات توضیح داده‌ایم (نامه مردم، شماره ۳۲۴)، ولی چون بدون اعتنا به این توضیحات و بدون توجه به منشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - که بر همگان روشن است - این کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران ادامه دارد، به ناچار بار دیگر به توضیح مشخص - تری در این باره میپردازیم، تا معلوم شود عیار این «اخبار» چیست؟ و هدف از انتشار آن کدام است.

بقيه در صفحه ۴

حرفهای خبرگزاریهای امپریالیستی را تکرار نکنید!

حجت الاسلام خامنه‌ای: «وضع تبلیغات جهانی علیه ما، روز بروز شدیدتر میشود. این راديوهای بیگانه، این روزنامه‌ها و مجلاتی که در خارج از این کشور منتشر میشود، نسبت به اوضاع و احوال ایران، آنچنان نقش مؤذیان را تعقیب می‌کنند که انسان شگفت زده میشود. اما من می‌خواهم خواهش کنم، از بعضی از روزنامه‌های خودمان، از بعضی دست‌اندرکاران خودمان، از بعضی از مسئولین و مردم معمولی که آنها دیگر اسیر تبلیغات روزنامه‌های خارجی نباشند، آنها دیگر این حرفها را تکرار نکنند»

(از خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴ شهریور ۵۹)
سرپرست خبرگزاری پارس: «امروزه يك امپریالیسم خبری در دنیا وجود دارد، که علیه انقلاب ما بسیج شده است و به ایجاد شایعه و پخش اخبار دروغ می‌پردازد. این برای تضعیف رهبری و ایجاد جنگ روانی در بین مردم است»

(جمهوری اسلامی، ۸ شهریور ۵۹)
ارگان حزب جمهوری اسلامی: «این واقعیتی است که کشورهای امپریالیستی و صیویستی، با در اختیار داشتن خبرگزاریهای بزرگ جهان نظیر آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر، خبرگزاری فرانسه و ... تقریباً ۹۰ درصد اخبار جهان از کانالهای خبری آنها گذشته و تفسیر و تفسیر میشود»

(جمهوری اسلامی، ۱۲ شهریور ۵۹)
اما آثار میکویند، متأسفانه علیرغم این نظریات صحیح و درست مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران و نیز برخی مسئولین رسانه‌های گروهی آن، هنوز ۹۰ درصد اخبار، تفسیرها و تحلیل‌های رسانه‌های گروهی ایران در کنترل امپریالیسم خبری هستند.

چرا برای قطع این وابستگی خطرناک و مهلك، اقدامی جدی بعمل نمی‌آید؟

نوسط اشخاص متفرقه! دفتر نشریه کارگری «اتحاد» اشغال شد

دفتر نشریه کارگری «اتحاد»، ز ۱۴ شهریور ۵۹ توسط امل مشکوک و اشخاص متفرقه اشغال شد.

این افراد در ساعات پایانی روز ۱ شهریور، که دفتر این نشریه لیل بود، به زور وارد آن شدند و دفتر را اشغال کردند. و این ست در زمانی است که همه احکام عالی مربوط به جلب و دستگیری اشغال و ... از تاریخ ۱۲ شهریور ۵۹ سوی داستان کل انقلاب باطل شده است.

اشغال دفتر نشریه کارگری حاده نیز تاکید مجددی بر ترش فعالیت ضد انقلابی بنظیر نه چینی کودتای آمریکائی در آن و لزوم مقابله با آن است. بر این اساس، ما برای چندمین - به مسئولین امر هشدار می‌دهیم زاد گذاشتن اینگونه افراد و جوی به اعمال غیر قانونی آنها، های جبران ناپذیری بر انقلاب نصوری اسلامی ایران وارد مد آورد. لذا بر مسئولین امر که هر چه زودتر به این وضع ناک با قاطعیت پایان دهند و ترتیب ضربتی بنیادی بر پالیسم آمریکا و وابستگان در ایران وارد آورند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دربار توطئه...

بقیه از صفحه ۱

چنین آزادی بخش فلسطین صف متحد و اتحاد فعال خود را بوجود بیاوریم و اتحاد انقلابی این کشورها را در مقابل اتحاد ضد انقلابی دشمنان میهن خود قرار دهیم. نیروهای سادات، که هم اکنون در نوار مرزی عراق علیه ایران سنگر گرفته اند، باید چشم ما را باز کند.

در ایجاد و بسجج صف دوستان خارجی انقلاب ایران، باید از چارچوب کشورهای اسلامی نیز پافرازی کنیم و در قبال امر-پالیسی جهانی، بسرکردگی امر-پالیسی آمریکا، دوستان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در سراسر جهان معین کنیم و با تکیه بر صف عظیم دوستان در سراسر جهان، در مقابل دشمنان خود بایستیم. از کلیه سیاستها و پدیده ها و گامهایی که ما را از دوستان واقعی خود در پنج قطعه جهان دور سازد، باید با قاطعیت اجتناب کنیم. از طرز تفکراتی که احتمالاً ما را به انزوا و انفراد از دوستان واقعی خود بکشاند، باید دوری جست.

ثانیا - در داخل کشور باید صف متحده نیروهای را که از جمهوری اسلامی ایران صمیمانه دفاع میکنند، بوجود آورد و از کارگی و کشاورز و اهل مسجد و مردم دانشگاه و بازاری و روشنفکر و کارمند و مستخدم، در زیر رهبری امام خمینی، یک ارتش عظیم سیاسی و نظامی برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران تشکیل داد. باید میدان فعالیت همه احزاب و گروهها سازمان-های سیاسی را، که صمیمانه از جمهوری اسلامی ایران دفاع می-کنند، باز کرد و موانع غیرقانونی را که بر سر راه مبارزه برتر آنها ایجاد گردیده، برداشت. باید خود را از اندیشه انحصار طلبی بدور نگاه داشت و این واقعیت را یک لحظه فراموش نکرد که، تنها و تنها نیروی خلق است که حلال مشکلات است و دفاع از انقلاب و میهن مستقل و آزاد، وظیفه مقدس و مشترک همه خلق و همه نیروهای است که به این انقلاب و این میهن مستقل و آزاد اعتقاد و ایمان دارند.

ثالثا - در ارتباط با مسئله مشخص، یعنی تجاوز رژیم بعثی عراق، باید بگوئیم که علاوه بر دو وظیفه عمده و اصلی، که در فوق بدانها اشاره شد، و عمده ترین راهها و اسباب مقابله با تجاوز آمریکا و عراق و هر تجاوز دیگری را تشکیل میدهند، مقابله با توطئه های رژیم بعثی عراق خود ستلزم اجرای تدابیر ویژه دیگری نیز هست. از آنجمله است:

- ۱- حل عادلانه مسأله آلمین مسئله کردستان بر مبنای پیام تاریخی امام خمینی برای رفع ستم ملی از خلق کرد و بسود انقلاب ایران. حل مسئله کردستان به قطع جنگ برادر کشی خواهد انجامید، زمینه عینی توطئه ها را در غرب کشور اصولا از میان خواهد برد، نیروهای صدیق و انقلابی کرد را با همه نیروهای صدیق و انقلابی ایران عملا در یک صف - صف دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد داد و بدین ترتیب ضد انقلاب را از زمینه و دستاویز موجودیت محروم خواهد کرد.
- ۲- اجتناب از هر عمل نادرستی که عملا به توسعه خرابکاریهای رژیم بعثی عراق و ضدانقلاب کمین کرده در عراق کمک میکند. مثلا محاصره اقتصادی برخی مناطق کردنشین، که چندماه قبل

مدته جریان داشت، از جمله این اعمال است. این محاصره اقتصادی و در نتیجه کمبود کالا و لذا گرانی در مناطق مذکور، سبب شد که رژیم بعثی عراق سبلی از کلاه های خود را بوسیله ایادی و فاجاچیان و کارگزاران ضد انقلاب به همین مناطق سرزیر سازد. در نتیجه، نفوذ و رسوخ اقتصادی عراق، پول عراقی، کالای عراقی، ارتباطات رنگارنگ از عراق به ایران توسعه عظیمی یافت و عملا مناطق تحت محاصره اقتصادی تا حدود زیادی از ایران گسست و با عراق ارتباط پیدا کرد. این به زمینه مادی توطئه و تخریبات رژیم بعثی عراق در کردستان ایران مبدل شد و چه زیادهای بزرگ مادی و معنوی که از این رهگذر عاید کشور ما گردید. قاچاق اغنام و احشام، خروج ارز و طلا توسط عراق و از اعتبار افتادن پول ایران و غیره جزئی از این زیادهای بزرگ بود.

ثالثا توسعه و تقویت سپاه پاسداران، از همه جهات، تحکیم ارتش، ایجاد هماهنگی انقلابی در داخل همه بخشهای نیروهای مسلح ایران و آمادگی دائمی و همه جانبه برای درهم کوبیدن هر تجاوزگری که خیال دست درازای به خاک میهن ما را در سر بروراند، وظیفه ایست درجه اول، که هرگز نباید از مد نظر مسئولان مملکتی دور ماند.

باید رهنمودهای امام خمینی را درباره ایجاد ارتش ۲۰ میلیونی با جدیت هر چه تمام تر اجرا کرد. باید کارخانه و مسجد و دانشگاه و مدرسه و مزرعه را به سنگر-های تسخیرناپذیر انقلاب مبدل کرد.

نباید آبی غافل بود و تسلیم خوش خیالی و غرور شد. تاریخ قبل از هر چیز زمامداران امور را در برابر مسئولیت عظیمی قرار داده است. اگر بجای حل عمده ترین مسائل انقلاب، که حفظ انقلاب در راه است، آنها قرار داده، سر-گرم مسائل فرعی و احوالنا خصوصی شویم، اگر بجای اتحاد خلق و نیروهای صدیق خلق، در گرداب تفرقه افکنی و تیجنا پراکنندگی بپتئیم، با سرنوشت انقلاب بازی کرده ایم.

حزب توده ایران بر مبنای مشی اصولی و انقلابی و تجارب خود، در همه مسائل نظر مشخص داده و همواره راه خروج از اشکالات را بیان کرده است. اکنون هم که کشور ما با توطئه های عظیم امپریالیسم آمریکا و ایذی آن روبرو است و حلقه توطئه بر اطراف کشور ما هر روز تنگتر میشود، حزب توده ایران نظر خود را درباره مقابله با این توطئه ها و حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بیان کرده است. حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که آماده است برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران کلیه امکانات و نیروی خود را در اختیار رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. حزب توده ایران پیشنهاد تشکیل «کنگره تفاهم ملی» را کرده است. امیدواریم مسئولان متمدد و انقلابی و میهن دوست امور ندای قلبی ما را با تمام ابعادش به دقت بشنوند و نظرات و هشدار-های ما را بطور جدی مورد بررسی قرار دهند. تجربه نشان داده است و همگان بر آن اعتراف دارند که، ندای حزب توده ایران از احساس درد خلق و میهن برمیخیزد و هشدارهای آن همیشه پایه واقعی دارد.

بامردم مشورت...

بقیه از صفحه ۱

نظام جمهوری اسلامی ایران در همین پیوند ناگسستی خود با خلق و تحت رهبری امام خمینی، که خود بازترین نمونه پیوند با خلق و آرزوها و کرامت خلق است، روز بروز تحکیم خواهد یافت، تثبیت خواهد شد، راه رشد خلقی خود را خواهد پیمود و به چنان درخت تنومند و ریشه داری مبدل خواهد گردید، که در سایه آن، مردم رنج دیده و محروم و تحقیر گشته ایران، پس از قرنهای اسارت و سیه روزی، دوران جدید زندگی و در واقع دوران زندگی سر بلند و پرافتخار خود را خواهند پیمود و شخصیت انسانی خود را باز خواهند یافت.

ممکن است دولت و یاسئولی یک تصمیم صددرصد درست هم بگیرد، ولی بعثت مشورت نکردن بامردم و بویژه در جریان نگذاشتن مردم و توضیح ندادن مطلب برای مردم، این تصمیم صحیح مورد سوء تفاهم و یا احوالنا اعتراضاتی واقع شود.

بهین مناسب است که ما مجبور به نوشتن این مسطور شدیم تا مقامات مسئول را متوجه سازیم که تنها تصمیم درست کافی نیست، بلکه توضیح آن و بردن منطقی آن بپیمان مردم نیز یکی از شرایط مهم موفقیت در اجرای تصمیم است. نمونه برجسته مسئله مورد بحث قرار است که اخیرا در مورد خدمت وسط ۴۴ ساعت کار در هفته بطور یکسان برای کارگران و کارمندان به تصویب هیئت وزیران رسیده است.

تصمیم هیئت دولت در اصل خود تصمیم درستی است؛ اولاً دلیلی ندارد که ساعات کار روزانه کارگر بیشتر از کارمند باشد.

ثانیا اگر کارمندان در تمام مدت ساعات کار، فعالیت نمربخش و خلایق داشته باشند، امکان آن بوجود خواهد آمد که در آتیه از

تعداد پشت میز نشینان گامسته شود و نیروی فعال کشور بیشتر متوجه امور تولیدی و عمرانی گردد.

ثالثا در حالیکه در کشور ما بخش تولیدی و توزیعی و خدماتی دولتی باید، طبق قانون اساسی، هر چه بیشتر توسعه یابد و فعالیت این بخش دولتی مستقیما با فعالیت ادارات دولتی پیوند ناگسستی پیدا میکند، خود بخود روشن و مبرهن است که ساعات کار دستگاه دولتی باید با ساعات کار موسسات تولیدی و توزیعی و خدماتی مطابقت داشته باشد. در واقع دیگری نیز بر صحت تصمیم دولت می توان آورد.

ولی این تصمیم درست، در میان قشرهایی از کارمندان موجب نارضایتی گردیده است. بنظر ما این نارضایتی از دوچاسر چشمه میگیرد:

نخست از اینکه دولت بدون مشورت با اقشار مربوطه و یا نمایندگان آنها این تصمیم را گرفته و باصطلاح، دست خود آن اقشار را وارد کار نکرده است. در نتیجه، این اقشار تصمیم دولت را بمنابها امر از بالا و بی اعتنائی و بی توجهی به کارمندان تلقی میکنند، که این اعتراض در این حد بجاست.

دوم اینکه قشرهایی از کارمندان دولت هنوز از تصورات دوران رژیم سرنگون شده درباره دستگاه دولتی و کارمندان دولتی جدا نشده اند. در آن دوران، این مملکت ما مال بی صاحب و خوان بیما بود، شاه و خانواده و اطرافیان و انحصارات امپریالیستی و ایادی ایرانی آنها با تمام قوت و قدرت خود می چاییدند و از این مال غارتی، بعنوان حق السکوت و دلیلی برای اثبات تمدن بزرگ، سهمی هم جلو برخی از طبقات متوسط و اشراف حقوق بگیر کارمند می انداختند و به آنها امتیازاتی از قبیل کوتاهی ساعات کار میدادند. ولی باید درک کرد که ما انقلاب کرده ایم و صاحب مملکت خود شده ایم و دلیلی ندارد که کم کار

رسانه های گروهی بجای صرف کردن نیروی خود به ناسزای گویی به نیروهای صدیق انقلابی، بایستی این مطالب را برای مردم شرح دهند و به آنها تفهیم نمایند که نیروی کار شما هم مال مملکت و مردم است و شما آنرا از وطن آزاد خود دریغ نکنید و نباید دریغ روشن آنست که اکثریت عظیم کارمندان آگاه از تصمیم دولت پشتیبانی می کنند و از روی درک و عقل آنرا اجرا می کنند. در ضمن آنها خواسته های درباره حقوق و مسائل بازنشستگی و غیره نیز دارند که باز باید با شرکت خود آنها و بدست خود آنها و با مسر و امضای دولت شکل قانونی بپایند.

امام خمینی با آن شخصیت ممتاز خود، تا حال دهها بار این حرف را به نمایندگان مردم، که به دیدار میروند، تکرار کرده اند که «من خدمتگزار شما هستم». باید از رهبر انقلاب آموخت و هرگز فراموش نکرد که دستگاه دولتی و قضائی و قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران همگی خدمتگزار مردم هستند. حتی یک لحظه نباید به پیدایش چنین تصویری امکان داد که گویا اداره کردن کشور فقط و فقط در انحصار ارگانهای سه گانه مملکت است. باید نیروی لایزال توده های مردم را داخل در اداره کشور کنیم، زیرا فقط توده های مردمند که پاسر نوشت میهن و انقلاب پیوند مرگ و زندگی دارند، و هرگز نه خود منحرف خواهند شد و نه به انحراف دیگران امکان و اجازه خواهند داد. فقط از طریق مشورت با مردم و داخل کردن مردم در اداره واقعی مملکت است که این مردم از بیگانگی نسبت به میهن خود و از غریبی در درون نجات خواهند یافت و هر یک به شهروندی مبدل خواهند گردید که بقدر رئیس جمهوری نخست وزیر خود را مسئول امور خواهند دانست و لذا نظام جدید شکست ناپذیر خواهد شد.

اسلامی ایران نیز شده است. به همین دلیل، هر گونه کوششی در جهت محدود ساختن فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران و یا زیر ضرب قراردادن آگاهانه یا نا آگاهانه، خواسته یا ناخواسته اقدامی است در جهت خواست و اهداف شوم امپریالیسم آمریکا، متحدان و وابستگان وی، اقدامی است مستقیما به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

گذشته از این، اشاعه اتهامات بی اساس و سراپا کذب مذکور و پرونده سازی علیه یک حزب سیاسی، که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت علنی و قانونی دارد، اقدامی است علیه قانون اساسی ایران و بالتبع گامی است در جهت پایمال کردن این مهمترین دستاورد انقلاب ایران.

ما با تکرانی عمیق به این اقدامات خلاف قانون، ضد اخلاق و خلاف مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی می نگریم و مصرانه مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران را به مقابله با محافل که چنین بیهوش قانون را زیر پا می نهند و نیروهای صدیق پشتیبان انقلاب را مورد حمله قرار می دهند فرا می خوانیم. ما مصرانه خواهان آتیم که کارزار دروغ و پنهان علیه حزب توده ایران متوقف گردد.

کارزار دروغ...

بقیه از صفحه ۱

طبقه سوم ساختمانی واقع در خیابان فخر رازی، کوچه فرهاد، پلاک ۳۲، بموجب سند رسمی اجاری، بمنظور دایر کردن کتاب-فروشی نوپا، توسط فردی بنام محمد قلی طاهرزادگان، که از هواداران حزب توده ایران است، اجاره شده بود. در کتابفروشی نوپا متعلق به آقای طاهرزادگان، تعدادی نامه «مردم»، «پیام مردم»، و اتحاد و تعدادی روزنامه های قدیمی سوگند و آذرخش وجود داشته است. طبقه اول و زیر زمین این ساختمان در اختیار وابستگان به سازمان پیکار بوده است.

چگونه پای حزب توده ایران بعنوان داشتن «خانه تیمس»، «پایگاه»، «اعلامیه ضد انقلاب» به میان می آید؟ خیلی ساده! هر چه در طبقه اول و زیر زمین بوده، به حساب طبقه سوم هم گذاشته میشود و در نتیجه بیای حزب توده ایران!

این بهتان های ناروا اتهامات کذب در شرایطی علیه حزب توده ایران «ادباع» میشود که حزب توده ایران به نیروی بی خدش از مشی اصولی و انقلابی خویش در دفاع از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران، آنچنان مرز قاطع و روشنی میان خود و گروهکهای

چنین نمای ضد انقلابی کشیده، که تلاش برای منتسب نمودن حزب توده ایران به نیروهای که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کنند، آشکارا عبث و مضحک است، و این اتهامات کذب را حتی با خروارها سریش نیز نمی توان به حزب توده ایران چسباند.

این تلاشهای زشت در شرایطی بعمل می آید که تمامی بلندگوهای ضد انقلابی و سازماندهان توطئه های براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران، از بختیار و اوایی و تزیه و بعثی های عراق گرفته تا ضیاء الحق، آنتیبار دشنام و اتهام علیه حزب توده ایران گشوده اند و سرریخا خط و نشان میکنند که، در صورت بازگشت به قدرت و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، توده های را نابود خواهند کرد.

کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران، در زمانی گسترش می یابد که کلیه مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران بخوبی می دانند که حزب توده ایران با تمام قوا و صادقانه به دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی ایران در قبال توطئه های خطرناک امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی، همت گماشته و در اینراه موفق به ارائه خدمات ارزنده ای به جمهوری

حزب توده ایران نیز شده است. به همین دلیل، هر گونه کوششی در جهت محدود ساختن فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران و یا زیر ضرب قراردادن آگاهانه یا نا آگاهانه، خواسته یا ناخواسته اقدامی است در جهت خواست و اهداف شوم امپریالیسم آمریکا، متحدان و وابستگان وی، اقدامی است مستقیما به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

گذشته از این، اشاعه اتهامات بی اساس و سراپا کذب مذکور و پرونده سازی علیه یک حزب سیاسی، که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت علنی و قانونی دارد، اقدامی است علیه قانون اساسی ایران و بالتبع گامی است در جهت پایمال کردن این مهمترین دستاورد انقلاب ایران.

ما با تکرانی عمیق به این اقدامات خلاف قانون، ضد اخلاق و خلاف مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی می نگریم و مصرانه مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران را به مقابله با محافل که چنین بیهوش قانون را زیر پا می نهند و نیروهای صدیق پشتیبان انقلاب را مورد حمله قرار می دهند فرا می خوانیم. ما مصرانه خواهان آتیم که کارزار دروغ و پنهان علیه حزب توده ایران متوقف گردد.

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه امریکادشمن اصلی خلق های ایران و جهان

ماز پیشنهاد زنان مسلمان پشتیبانی می کنیم

واحد "خواهران حزب جمهوری - اسلامی"، نهضت زنان مسلمان و "انجمن اسلامی معلمان ایران" اخیراً طی بیانیه مشترکی خطاب به ریاست مجلس شورای اسلامی، خواستار آن شده اند که بسیاری رسیدگی به وضع حقوقی زنان، کمیسیون در مجلس، زیر نظر خانم دست غیبی تشکیل شود، تا حقوق زن در اسلام را مورد بررسی قرار دهد.

(جمهوری اسلامی ۳ شهریور ۵۹) به نظر ما، این پیشنهادی است مفید و سازا و توجه، زیرا در مورد حقوق زنان ابهامات فراوان وجود دارد. برخی حقوق زن را در انجام وظایف میهنی او خلاصه می کنند و برخی دیگر ضمن قبول تفکیک و تمیز میان حقوق و وظایف زن در تشخیص و تبیین این حقوق دچار گمراهی اند و گاهی این وجه و گاه آن وجه از حقوق زنان را فراموش می کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در مورد حقوق زنان فاقد صراحت و روشنی لازم است و در کلیت چارچوب، تنها اشارات قابل تفسیر و تعبیری دارد، که باید در متمم قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس، این حقوق در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی - مشخص شود و از ضمانت اجرایی کافی سر خوردا ریابد.

روشن نبودن چارچوب حقوق زنان موجب شده است که مخالفان حقوق زن، از این زمینه ابهام و تردید سوء - استفاده کرده، هم تمامی حقوق زنان را نادیده بگیرند و هم به حریم امنیت خانوادگی و شغلی زن تجاوز کنند. در عرصه حقوق خانواده، همانطور که خانم دست غیبی در مجلس به درستی بیان داشت:

"باید معنی عدالت را در خانواده تعمیم بدیم. حال آنکه عده زیادی از خواهران مادر حال خرد شدن و نابودی هستند... باید به وضع زن امروز رسیدگی شود و حقوقی را که در اسلام داده شده، به او بازگردانند."

نویسندگان بیانیه مشترک "احیاء حقوق خانواده را در جامعه اسلامی" خواستار شده اند، زیرا حق طلاق انحصاری مرد شیرازه بسیاری از خانواده ها را، فقط به علت بوالهوسی و بی مسئولیتی مردان، از هم گسیخته و زنان را در مانده و مستاصل ساخته است. حقوق اقتصادی زنان، یعنی حق آنان به کار، برابری دستمزد و باز - نشستگی نیز جدا در معرض تزلزل است. بسیاری روز افزون، بسیاری از زنان کارگر و کارمند را خانه نشین ساخته، با کسای زن بهانه ای برای برکناری عده ای از زنان معلم و دبیر و کارمند مؤمن به انقلاب شده است، استخدام جدید متنوع است و لایحه قانونی باز - نشستگی زودتر از وقت، پیشینه خدمت بسیاری از دختران و زنان جوان را در

از اهل صلبی نا چیز با ز خرید کرده و آنرا ترا به خانه ها فرستاده است. نشانه های دیگری وجود دارد که برخی مقامات مسئول نه تنها از اشتغال زنان استقبال نمی کنند، بلکه در این راه ایجاد محدودیت می کنند. برای نمونه مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد، تعطیل کلیه کودکان نهی این استان را اعلام کرده و مربیان مربوطه را برای تدریس در دبستانها، به دوره آموزشی اعزام داشته است. بهانه تعطیل کودکان آنها، فاقد حقوق بودن این کودکان است. آقای مدیرکل آموزش و پرورش خوشحال است که با این اقدام بیست میلیون تومان از بودجه استان صرفه جویی شده است.

(صبح آزادگان - ۹ شهریور ۱۳۵۹) این اقدام مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد را، که بییم تعمیم آن در سایر استانها می رود، به چه باید تعبیر کرد؟ تجربه همه کشورهایشان می دهد که آموزش قبل از دبستان یکی از عوامل ضروری و مؤثر در آماده ساختن کودکان برای ورود به مرحله تحصیل و فراگیری است، علاوه بر آنکه، شبکه کودکان در آنجا به مادران شاغل امکان می دهد تا با فراغت یال به انجام وظایف ناشی از اشتغال بپردازند.

اگر در محتوای برنامه های آموزشی کودکان آنها خلل و کمبودی هست، باید آنرا مرتفع ساخت و نه آن که کودکان آنها را سراسر یک استان را تعطیل کرد. این اقدام، این توهم را بر می انگیزد که در ادامه اشتغال زنان باید موانعی ایجاد شود و آنرا ترسناک و ترسناک تر کند. هر چه عقل سلیمی متکرامت و وظایف مادر زن نیست، که با بدیهه نیکوترین وجه به سود خانواده و مصالح جامعه انجام شود. اما یک جامعه بالغ، با سلب حقوق اقتصادی و اجتماعی زن و نظیر کردن او به گاو سواره، انجام این وظیفه و الا را از او طلب نمی کند، بلکه با ایجاد شبکه خدمات، انجام وظایف مادر زن را تسهیل می کند و میان وظایف خانوادگی و اجتماعی زن، هماهنگی مطلوب برقرار می سازد.

نگرانی زنان مسلمان که به مجلس شورای اسلامی نامه فرستاده اند و در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شده، ناشی از نادیده گرفتن حقوق زنان است که ما نیز با آنان ابراز همبستگی می کنیم. ما ضمن طرفداری جدی از پیشنهاد تشکیل کمیسیون حقوق زن در مجلس، از دولت جدید می خواهیم که برای رفع نگرانی و تشویش از زنان، قوانین مشخصی را در مورد تضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زنان، برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهند. باشد که زنان در عمل دریا بند که جمهوری اسلامی ایران ضامن حقوق حقه آنهاست.

همراه خلق متحد و انقلابی و در کنار دلیران جانباز سپاه پاسداران، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سرسختانه دفاع کنیم!

استان پهناور خراسان ضربات قاطع و مرگبار خورده است. این امر با توجه به حساسیت منطقه و وجود زمینه های مساعد برای فعالیت خرابکارانه و نفاق افکنانه ضد انقلاب، بخصوص در واحی مرزی و برخی شهرهای استان، نگرانی آور است. رزمندگان توده ای در همه جای کشور و از جمله در خراسان مصمم اند، همراه خلق متحد و انقلابی و در کنار دلیران جانباز سپاه پاسداران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سرسختانه دفاع کنند. امید داریم که مسئولین جمهوری اسلامی ایران در سراسر کشور آهوشیاری و آمادگی کم نظیر روحیه انقلابی مردم حداکثر بهره را ببرند و با تنگنایان درجه های متحد و مانع از هرگونه تفرقه و درگیری مانع از خنثی شدن و هرز رفتن نیروها شوند.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خراسان، از جناب عالی انتظار دارد که امکانات و تسهیلات لازم برای شرکت فعالانه همه اعضا و هواداران خویش در بسیج ملی، در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم شود. ما ایمان داریم که مردم سرکش و مبارز ما سرسختانه و قاطعانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع خواهند کرد و آنرا تا پیروزی نهایی و قطعی به پیش خواهند برد.

با احترام
حزب توده ایران - سازمان ایالتی خراسان
۵۹/۶/۱
در ضمن سازمان حزب توده ایران در شهرستان چنودر نیطی نامه ای به سپاه پاسداران چنودر، آمادگی خود را جهت شرکت در بسیج ملی اعلام کرد.

ما از سیاست «نه شرقی، نه غربی» چه چیز می فهمیم

مواضع ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا دفاع کردند و مداخله در امور داخلی ایران را تکیه نمودند. ولی همه اینها مانع از آن نشده است که هراسانت ساز تازهای علیه کشورهای سوسیالیستی نواخته و هزاران هزار گناه ناکرده و سخن ناگفته به آنها نسبت داده شود.

دیپراول کمیته مرکزی حزب توده ایران در توضیحی که در روزنامه اطلاعات و در نامه "مردم" درج شده، گفت که به نظر حزب توده ایران، معنای شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" عدم شرکت ایران در بیلوکه های موجود و تعقیب یک سیاست مستقل است. این تعبیر کاملاً درستی از شعار است. به نظر ما، لازمه سیاست نه شرقی و نه غربی آن نیست که مافحش را بالمناصفه بین عادل و ظالم، بیگناه و مقصر، دوست و دشمن تقسیم کنیم تا مبادا با یکدیگر که به یک طرف تمایل داریم. تازه ایکاش بالمناصفه تقسیم میشد، سهم دوست از دشمن و سفسطه، تا آنجا که ما می بینیم، از دشمن بیشتر است. همان "دو صد" و "پنج صد" اسحق فرهمندپور است!

حجت الاسلام محمد منتظری با توجه به این واقعیت است، که در جلسه چهارشنبه (۱۲/۶/۵۹) مجلس شورای اسلامی گفت: "سیاست نه شرقی نه غربی" هم طوری شده که بیشتر شوروی را می گویند، یعنی در عمل آمریکا کمتر کوبیده می شود. همین تشویش بر سر حزب توده ایران نیز سبب افتاده است. رادیو، تلویزیون، مطبوعات، معلوم نیست با چه انگیزه ای و موافق دستور چه مقامی، حزبی را که با تمام صداقت و جدیت، از جمهوری اسلامی دفاع کرده و می کند، به باد بدترین دشنامها و اتهامات می گیرند؟ عجیب اینجاست که به این واقعیت توجه ندارند که ما بین این دشنامها و اتهامات با رادیوهای بختیار و اویسی تشابه و هماهنگی برقرار است.

چطور میتوان دشمن دشمن جمهوری اسلامی بود و در عین حال دشمن جمهوری اسلامی بود؟ این معادله سخیف را آقایان چگونه حل می فرمایند؟ بار دیگر تکرار می کنیم: ما با سیاست "نه شرقی و نه غربی"، به معنای راه مستقل یک ایران غیر متعهد موافقیم، ولی با تعبیرات ناسالم از این شعار، که در آخرین تحلیل هدفش مبتذل و مفتضح کردن شعار است، نمی توانیم توافق داشته باشیم، زیرا تعبیرات ناسالم و زینبختش از این شعار در عمل سرز بین دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را مخدوش می کند و این مسلمانان به زبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

صداقت و اصولیت انقلابی ثمر بخش است

می کرده و مشاهدات خود را در این زمینه برای ما فرستاده، نمونه بارز و پرمعنائی است از این واقعیت ما عین این نوشته را کلیشه می کنیم و با همان املاء و انشاء و اصطلاحاتی که او نوشته، مطالب آنرا در ذیل نقل می کنیم. در این جا هم از زبان روحانیونی که با تجربه خود، به اصلت و صداقت روش حزب ما و تأثیر بخشی و کارآیی آن در نبرد علیه امپریالیسم پی برده اند، آموخته و میم است، و هم عکس العمل تحسین آمیز و غرور آفرین کارگری که پس از کارروانه، خستگی را به هیچ میگرد و برای اشاعه نظریات حزبی به بخش اعلامیه می پردازد، بر معنا و جالب است. او برای العین شاهد ثمرات زرف روش انقلابی و درست و اصولیت سیاست حزب خویش است و چنان می نویسد که گویی آرزویایی سیاست

حزب از زبان روحانیون متعهد و مبارز، تمام خستگی کار و فعالیت را از تنش بیرون میبرد و میوه شیرین صداقت و اصولیت را در افاق اتحاد علیه امپریالیسم می چسبند. و اینست نوشته او: "روز سه شنبه دانشم اعلامیه بخش می کردم. بعد چشم (چشم) به یک سواری افتاد. دیدم دوتا آخند (آخوند) آغب (عقب) ما شین نشسته بودند. اعلامیه را به آنها دادم. گفت دورسته (درسته) حزب توده پشت سر هم اعلامیه تکثیری کند ای کاش همه گروهها مثل حزب توده ایران بود واقعا حزب توده حرفی که می زند دورست (درست) از آب درمی آید. امیدوارم هر چه زودتر همه ملت با هم متحد شوند علیه امپریالیسم. درود بر شاهها شاهها سادق (صادق) هستی."

(متن نوشته کلیشه شده)

جندی بیش گروه جوانان سیمای جمهوری اسلامی برنامه جالبی را اجرا کردند، که از آن برنامه بویژه این جمله در خاطره نقش می بندد. سیمای جمهوری اسلامی گفت: "بشری تواند هموعان خود را نابود کند، ولی قادر نیست روح انسانها را به بند بکشد." متأسفانه این نوع سخنان درست و انسانی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی هنوز تسلط معنوی خود را کسب نکرده است، برعکس تا بخواهید تبلیغات زهر آگین، علیه سوسیالیسم علمی و کشورهای سوسیالیستی، انجام می گیرد.

این روشهای در خورد نظامهای طاغوتی در جمهوری اسلامی اعمال میشود که آیات قرآنی را رهنمون خود میداند. همان قرآن که گفته است: "به پندگانی که سخن (ذکر) رامی شنوند و از بهترین آنها پیروی می کنند، مژده رستگاری ده!" همان قرآن که گفته است: "براه خداوند خود از طریق حکمت و اندر زهای نغز دعوت کن و با بهترین شیوه بسا مخالفان مجادله نما."

آری، به گفته برنامه "جوانان"، بشر میتواند به ضرب گلوله و جماق، با حملات وحشیانه به مراکز احزاب و کتابخانهها، با ضرب و جرح، انسانها را جسام نابود کند، ولی آیا این روش کمترین تأثیری برای نابود کردن روح و فکر وی دارد؟ تنها کسانی تصویری کنند که خشونت و جماق، دروغ و سفسطه حلال است که یاسفینند و چیسزی از تاریخ نمی دانند و بی مغرض و شارلاتانند. اصلاً به چیزی باور ندارند و حسابها و خیالات شخصی دیگری را دنبال می کنند.

موج تاریک تبلیغات علیه سوسیالیسم علمی و کشورهای سوسیالیستی به انحاء مختلف توجیه میشود. مثلاً می گویند: چون جمهوری اسلامی سیاست "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" را شعار مرکزی خود قرار داده است، لذا گویا یکی از لوازم این کار آنست که، اگر، بقول اسحق فرهمندپور، "دو صد" لحن به آمریکا فرستاده شود، بلافاصله باید "پنج صد" لحن تشار شوروی گردد، تا تعادل بین شرق و غرب حفظ شود!

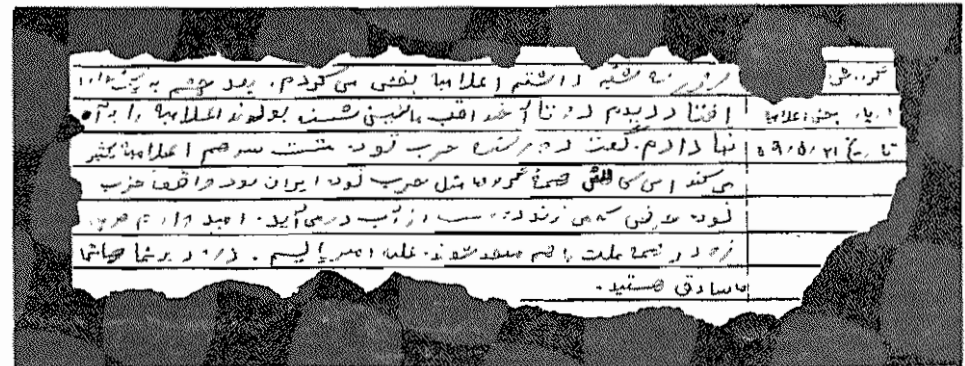
انسان غرق حیرت می شود که آخر کشورهای سوسیالیستی که در مورد انقلاب ایران از همان آغاز موضع مساعد گرفتند، و مسلماً اگر اخطار بموقع اتحاد شوروی نبود، دست آمریکا برای حفظ رژیم ساه سابق بمزاتب باز تر و امید مردم در مقاله علیه آن به ناچار محدودتر می بود. بهر جهت، این گام بزرگی بود در جهت منافع خلق ما، در جهت انقلاب ما.

پس از انقلاب، به شهادت واقعیات متعدد اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مرتباً از

روش اصولی و انقلابی حزب توده ایران، در دفاع از جمهوری اسلامی ایران، در تمیق انقلاب و رفع مشکلاتی که بر سر راه پیشرفت آن قرار دارد، در متحد ساختن کلیه نیروهای که در ساختن ایرانی مستقل، آزاد، آباد و مرفه ذی فکند و در شناساندن چهره مکار و خونخوار دشمن اصلی، آمریکا، بینناز پیش ثمرات خود را با جباری آورد.

نیروهای صادق به روشنی درمی یابند که باید بین دوستان انقلاب و دشمنان آن، بین مدافعان استقلال ایران و طرفداران وابستگی و نظام طاغوتی، بین هواداران زحمتکشان و جانبداران سرمایه داران و بزرگ مالکان غارتگر، تفاوت گذاشت. مرزها مشخص تر میشود و آن قوای راستین انقلابی، که می بایست در عمل، دوش به دوش و دست در دست هم عمل کنند، تا ستون فقرات دشمن را بشکنند، یکدیگر را می یابند. این آفق نوید بخشی است که به میزان زیاد آینده انقلاب و سرنوشت میهن ما وابسته بدانست، زیرا که در اتحاد و اتفاق این نیروهاست که توطئه های آمریکا خنثی میشود و میلیونها تن، چون تن واحد، در برابر آن بسیج می شوند و سازندگی ایران مستقل و آزاد به یک جهاد عظیم تمامی خلق بدل میگردد.

هریک از ما در زندگی روزمره خود و در تماس با افراد مختلف، که دارای نظرها های گوناگون هستند، با نمونه هایی از این آفق نوید بخش روبه رو میشویم و در عمل شاهد ثمرات این روش اصولی و انقلابی، بویژه در پیوند با موضع گیری عناصر مذهبی انقلابی هستیم. نوشته کارگر زحمتکشی که در زیر میخوانید - که در راه شناساندن سیاست حزب خویش اعلامیه بخش



زحمتکشان معدن لکان و کرک از هیچگونه امکانات ایمنی برخوردار نیستند



قراردارند، ولی از هیچگونه وسایل ایمنی برخوردار نیستند. گردو خاک حاصل از حفاری مستقیماً بر سینه پرورد کارگران می‌نشیند. صدای مته حفاری آنقدر زیاد است که با اینکه در دوسه قدمی کارگران ایستاده ایم، صدای فریادمان رانمی‌شوند و فقط وقتی که ما را می‌بینند، بطرف ما می‌آیند. جوانانی هستند در حدود ۳۵ تا ۳۰ ساله که با روی گشاده و مهربان ما را می‌پذیرند.

یکی از زحمتکشان می‌گوید: "حدود ۱۰ سال است که در این معدن کار می‌کنم و فعلاً روزانه ۲۴۰ ریال می‌گیرم. دوسالی هست که بیمه شده‌ام. قبل از پیروزی انقلاب حقوقمان در حدود ۴۰ تومان بود."

کارگری دیگری می‌گوید: "حقوقمان خیلی کم است، ولی برای حفظ انقلاب باید تا میتوانیم کار کنیم، تا تولید بالا برود." با سرپرست معدن لکان به صحبت می‌نشینیم،

می‌گوید: "در روزی که وارد معدن شدیم باغلب ماشینها غیر قابل استفاده بودند. با کمک و ای که از دولت دریافت کردیم، توانستیم آنها را به راه بیا نوازیم. از سوی دیگر حقوق چند ماه عقب مانده کارگران را نیز پرداخت کردیم. وی ادا می‌دهد:

"در صورت کمک دولت و سرما به گزاری بیشتر در این منطقه، ما می‌توانیم از معدن "دره نقره" نیز استفاده کنیم. در معدن "دره نقره" سرب و نقره وجود دارد، و با توجه به گرانتر بودن این دو فلز، گسترش سطح تولید در این معدن به نفع و به صرفه خواهد بود." وی مدعی بود که در معدن فوق‌تمام مصوبات وزارت کار در باره کارگران مراعات می‌شود.

معدن لکان در ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهر خمین واقع است. تولید روزانه در حدود ۳۰۰ تن سنگ تغلیظ شده سرب و روی است. در این معدن سنگها تغلیظ و از طریق بندر انزلی به اتحاد شوروی صادر می‌شود.

معدن مزبور از سال ۱۳۳۱ مورد بهره برداری قرار گرفته و تا سال ۳۸ کار بهره برداری از آن ادامه داشته است. از آن سال (۳۸) تا سال ۴۶ معدن بلا استفاده بود و از آن پس همواره دایر بوده است. قبل از پیروزی انقلاب، معدن فوق خصوصی بود و به افرادی نظیر علی رضایی تعلق داشت. ولی بعد از انقلاب، دولت کنترل معدن را بعهده گرفت و فعلاً زیر نظر "سازمان گسترش و نوسازی صنایع اداره می‌شود. شعبه‌ای از معدن لکان، معدن کرک است، که در منطقه قوچان در جنوب اراک قرار دارد.

در این دو معدن روی هم حدود ۱۰۰ نفر کارگر بکار مشغولند. اکثر آنها کارگران محلی هستند و در معدن کرک در حدود ۲۵ نفر کار می‌کنند، که نفر از آنها را نکرده که مگرسی بلد و بقیه کارگرساده‌اند. زحمتکشان این معدن با وجود کار طاقت فرسا و شرایط بسیار نامساعد کار، از حداقل حقوق برخوردارند. یکی از کارگران این معدن در طی گفتگویی گفت:

"با وجودیکه ۱۲ سال است در این معدن کار می‌کنم، الان روزانه فقط ۲۴۰ ریال دستمزد بمن می‌دهند. وی در ادامه صحبت‌هایش گفت:

"از دولت می‌خواهیم حالا که به خواست خودمان یعنی جمهوری اسلام رسیدیم، کاری نکنند که ظلم و ستم از بین برود و زندگی ما تامين شود." در جواب گفت:

"من متصدی کمپرسور هوا هستم و روزانه ۸۲۰ ریال می‌گیرم." در میان گودالی که چند نفر کارگر با مته حفاری مشغول سوراخ کردن زمین هستند، گردو خاک زیادی در اطراف مته حفاری در هوا پراکنده شده است. کارگران با اینکه در معرض خطرات گوناگون

سیمانکاران و موزائیک‌سازان جزء در تبریز: «اتحادیه به سلاحی در دست متمولین این صنف تبدیل شده است»

"ماهیانه تا صد کیسه (۵ تن) نیز می‌توانم کار کنم، ولی چون عضو اتحادیه نیستم و از تسهیلات موجود در اتحادیه استفاده نمی‌کنم، مجبورم سیمان را از بازار آزاد به مبلغ سی و پنج تومان بخرم. از این نظر تا شصت کیسه در ماه (۳ تن) بیشتر نمی‌توانم کار کنم." او در پاسخ به پرسش ما که "حرا عضو نیستید؟" گفت:

"سیمانکاران کوچک را به عضویت نمی‌پذیرند. تاکنون چندبار به اتحادیه مراجعه کرده‌ام، ولی آنان از تحویل سیمان به من خودداری کرده‌اند."

موزائیک سازی آیدین، واقع در جاده زنجان (تبریز)، محل دیگری بود که ما به آن سرزدیم. در این کارگاه هشت نفر کار می‌کنند. کارگران بطور کثرتی دستمزد دریافت می‌کنند. از بیمه و سایر مزایا خبری نیست.

حسن نبی‌زاده، صاحب کارگاه، که به اتفاق سه فرزندش مشغول به کار است، می‌گوید:

"در حالیکه مصرف سیمان سیاه کارگاه ما سی و پنج تن است، سهمیه تعیین شده برای ما دوازده تن است و هم اکنون در انرکمیو سیمان حدود یک‌ماه است که دستگاه برس ما (موزائیک سازی) کار نمی‌کند" او اضافه کرد:

"در حالیکه شرایط کارگاه ما به طور مثال با کارگاه سهیند مشابه است، سهمیه تعیین شده برای آن کارگاه هشتاد و برای ما دوازده تن است."

در مجموع می‌توان گفت که در میان کارگاه‌هایی که ما به آنها سرزدیم، کارگاههای بزرگ از چگونگی کار اتحادیه رضایت بیشتری دارند تا کارگاههای کوچک. طبق اطلاعاتی که ما از این رهگذر بدست آوردیم و اجمالاً در ذیل می‌آید، اتحادیه بر مشکلات موجود افزوده است و با تکیه فعلی آن، عملاً در خدمت نرودند این صنف در آمده است.

این اتحادیه با ترکیب فعلی تاکنون مرتکب تخلفات جندی شده است، از جمله:

- سهمیه بندی سیمان از طرف اتحادیه، اسلوب و قاعده خاصی ندارد و در اثر اعمال نفوذها کم و زیاد می‌شود. برای مثال: یک کارگاه با پرس چهار نفره هشتاد تن سهمیه دارد و کارگاه دیگری با همین شرایط دوازده تن،

- با این که کمیته سیمان طی نامه‌ای خواستار قطع سهمیه چندتن از سهمیه داران به علت فروش سهمیه آنها در بازار آزاد شده بود، رئیس اتحادیه به ارسال سیمان به این افراد ادامه داده است.

- دریافت غیرقانونی حق عضویت به مبلغ بیست هزار ریال برای بلوک زن، چهل هزار ریال برای سیمانکار و شصت هزار ریال برای پرس کار.

اعضا اتحادیه خواهان رسیدگی مقامات مسئول (از جمله کمیته امور صنفی امام و مقامات استانداری) به این تخلفات هستند.

در شهر تبریز، هم اکنون حدود دویست کارگاه موزائیک سازی و سیمانکاری مشغول فعالیت هستند. کارگاههای کوچک معمولاً با یک تا هشت کارگر کار می‌کنند. سیمان کاران با در اختیار داشتن وسایل ابتدایی تولید، محصولات و مصالح ساختمانی نظیر بلوک، حوض، بله، لوله، سنگ توالنت تولید می‌کنند و موزائیک سازان با داشتن دستگاه برس به طور عمده موزائیک می‌سازند.

ما به چند کارگاه موزائیک سازی و سیمانکاری سرزدیم و با کارگران به گفتگو نشستیم:

کارگاه سیمانکاری صادقی واقع در میدان توپ (تبریز)، که صاحب آن به اتفاق دو فرزندش، با یک کارگر دیگر کار می‌کنند و محصولات نظیر بله، لوله، حوض، سنگ توالنت و بلوک تهیه می‌کنند.

اکبر باشاپور یگانه کارگر این سیمانکاری کثرتی کار می‌کند. او برای هر بلوک هشت و برای هر لوله بیست ریال دستمزد می‌گیرد. کارگر بلوک زن بطور متوسط در روز می‌تواند صد بلوک تولید و کارگر لوله زن قادر به تولید بنجاه لوله به طور متوسط است. وقتی از مواد اولیه (سیمان) و کم و کیف آن جويا شدیم، انگار که درست انگشت روی نقطه درد گذاشته‌ایم، زیرا فریادشان بلند شد.

علی صادقی، کارگر سیمانکار و فرزند صاحب کارگاه، که تا پنجم ابتدایی بیشتر درس خوانده است، می‌گوید:

"مقدار مصرف ماهانه سیمان سیاه کارگاه ما دوازده تن است، در حالی که اتحادیه برای ما پنج سهمیه در نظر گرفته است. ما هم برای این که بیگار نمائیم، مجبوریم با وجود گرانی سیمان در بازار آزاد، مقداری هم از این بازار سیمان تهیه کنیم. کیسه پنجاه کیلوئی سیمان سیاه از اتحادیه پانزده تومان و در بازار آزاد بیست و پنج تومان برای ما تمام می‌شود. همچنین سیمان سفید، که قیمت اتحادیه‌ای آن پنجاه و دو تومان است، قیمت آن در بازار آزاد از صدوسی تا دویست تومان در نوسان است."

این کارگران نیز همچون سایر زحمتکشان از گرانی مایحتاج زندگی به تنگ آمده‌اند.

کارگاه سیمانکاری و موزائیک سازی سینا نیز در محله روبروی امامیه قرار دارد. در این کارگاه دو نفر کارگر کار می‌کنند: محمود، که شانزده ساله است و هفتاد تومان مزد می‌گیرد، و نادر، که چهارده سال سابقه کار دارد و صدوسی تومان دستمزد دریافت می‌کند.

آنان بیمه نیستند و از سایر مزایا نیز محرومند. علیرغم مصرف ماهیانه بیست و دو تن سیمان در این کارگاه، سهمیه آنها ده تن است و حدود سه ماه است که این مقدار سهمیه نیز تحویل نشده است.

علی مختاری، کارگر کارگاه موزائیک سازی اتحاد، که کارگاه سیمانکاری کوچکی در جلوی منزل خود، در اواخر خیابان طالقانی تبریز، دایر کرده است، می‌گوید:

"چون دستمزد من کفاف مخارج زندگی ام را نمی‌دهد، با هزار مکافات، بس از مراجعت در منزل برای خودم کار می‌کنم." او اضافه کرد که:

اخبار کارگری

تنها چیزی که نصیب کارگران کوره‌پزی قاضی‌زاده شده است، بیکاری است

محمدآباد، بین راه اصفهان - یزد قرار دارد و دارای بیش از بیست کوره آجرپزی است. در این کوره‌ها عده‌ای کارگرافانی و ایرانی در سخت‌ترین شرایط کار می‌کنند.

مدتی است که یکی از کوره‌ها به نام کوره قاضی‌زاده، تعطیل شده است و تعداد دویست کارگر آن بیکار شده‌اند.

یکی از کارگران اظهار داشت: "طبق قرارداد با ایستی تا پائین کاری می‌کردیم. چون در قرارداد آمده است که کارگران می‌بایست ده میلیون خشت بزنند. در صورتیکه ما تا بحال فقط سه میلیون خشت زده‌ایم. ولی کارفرما به قول خود وفانکرد و ما را از روز اول مرداد بیکار کرده است." کارفرما در مورد تعطیل کارخانه به کارگران گفته است که، کوره ما از نوع برجی است، در صورتی که باید پنکهای باشد (کوره‌های آجرپزی در محمدآباد با برجی هستند و پنکهای).

کارگری دیگری در این باره گفت: "دلیل کارفرما اصلاً قابل قبول نیست، چون اومی با ایستی طبق قراردادی که با کارگران بسته است، کوره خود را تا تولید یک میلیون آجر به کار می‌انداخت و آنگاه کارخانه را تعطیل می‌کرد." کارگران کوره آجرپزی بیش از یکماه - از اول مرداد - است که بیکارند و تاکنون چندین بار به اداره کار و امور اجتماعی مراجعه کرده‌اند، حتی چندین شکایت نامه نوشته‌اند، ولی هیچ چیزی جز بیکاری نصیب آنها نشده است. مسئولین وزارت کار باید حداقل کارفرما را مجبور کنند که کوره را تا پایان کار براه اندازد، تا کارگران از بی‌سروسامانی نجات یابند.

در کارخانه چای گلچین قوانین کار اجرا نمی‌شود

کارخانه چای گلچین، واقع در میدان شوش (تهران) حدود چهل نفر کارگر دارد. در این کارخانه قوانین مربوط به کارگران اجرایی شده. به عنوان نمونه:

۱- کارفرمایان بجای اینکه از کارگران هشت ساعت کار طلب کنند، از آنها می‌خواهند که هر روز مقدار معینی تولید کنند که معمولاً انجام این کار بیش از هشت ساعت به طول می‌انجامد. به این ترتیب کارگران بشدت استثمار می‌شوند، چون کارگران موظف‌اند روزانه هزار بسته (یعنی حدوداً صد کیلو) بیشتر از حد معمول چای تولید کنند.

۲- در این کارخانه چند کودک با این تراز ۱۶ سال کار می‌کنند. برخی از این کودکان، در حالیکه بیش از سه سال سابقه کار دارند و پایبای دیگر کارگران کار می‌کنند، از طرف کارفرما هنوز کارآسوز محسوب می‌شوند. در نتیجه هیچگونه مزایای قانونی به آنها تعلق نمی‌گیرد.

۳- کارخانه، حق مسکن، حق اولاد و حق خواربار کارگران را تماماً پرداخت نمی‌کند.

۴- سرویس رفت و آمد برای کارگران موجود نیست. یکی از کارگران در این مورد اظهار داشت که: "هر روز صبح مجبورم از جاده ساوه - که محل سکونت من است - خود را به میدان شوش برسانم. علاوه بر اینکه بقدری ازوقتم صرف آمودرفت میشود، باید مقدار زیادی هم کرایه ماشین بدهم." یکی دیگر از کارگران می‌گفت:

یکی از کارفرمایان به هیچ یک از مقررات انسانی پایبند نیست، چون کارگران را تنبیه بدنی میکند. کارگران از دولت، بخصوص وزارت کار می‌خواهند که هر چه زودتر تریبی دهند، تا قوانین کار به نحو احسن در کارخانه اجرا شود.

پنجاه سال سن دارم، پنج سال سابقه کار در این کارخانه دارم. اسما استخدام رسمی و بیمه شدم. در موقع رسمی شدن سابقه کار مرا به حساب نیاوردند.

حقوق و مزایا خیلی ناچیز است. روزی شصت تومان دستمزد می‌گیرم و ۱۰ ساعت کار می‌کنم. با این گرانی، مزد کفاف خرج را نمی‌کند. پدر ۹ سر عائله هستم و همیشه هم شرمندم.

اگر بگویند شب هم کار می‌کنم، تا خرج را پیدا کنم و شرمند فرزندانم نباشم. ببینید دستهایم چطور دراز تمام با قیر شکلش عوض شده است."

کارگران این کارخانه پشتیبان انقلاب و امام هستند. کارگران آمادگی خود را برای جانپازی در راه انقلاب و امام اعلام داشتند. آنها می‌گویند:

"حاضریم برای آسفتل خیابانهای شهر، شبها هم کار بکنیم."

یکی از کارگران می‌گوید: "اگر آمریکا بخواهد تجاوزی علیه انقلاب ما بکند، با مشت با آنها مقابله خواهیم کرد و حتما هم شکست با آمریکا خواهد بود."

کارگران روزانه ده ساعت کار می‌کنند. جانی برای استراحت ندارند. کارخانه دور از شهر قرار دارد. کارگران نمی‌توانند برای خوردن ناهار به شهر بروند. آنها خواستار سان غذاخوری هستند.

کارگری که خود را احمد معرفی می‌کند، می‌گوید: "ما به دستکش و دیگر وسایل ایمنی احتیاج داریم. کار کردن با قیر خیلی مشکل است، اگر قطره‌ای قیر ناخ روی دست بریزد، تا استخوان می‌سوزاند." کارگران به علت سختی کار و نبودن وسایل ایمنی شدیداً در معرض خطر قرار دارند.

کارگران کارخانه قیر و قووم با مشکلات فراوانی دست‌بگیر یابند

* روزی ۱۰ ساعت کار طاقت‌فرسا با ۶۰ تومان

* همه کارگران این کارخانه پشتیبان انقلاب و امام هستند

* کارگران مجرب به وسایل ایمنی کار نیستند

کارخانه قیر و قووم در اردبیل واقع است. کارش آسفتل‌پزی است. کارگران از مشکلات زیاد کار و زندگی خود صحبت می‌کنند. یکی از کارگران می‌گوید: "هفته سال دارم و از ده آپتیکلو آمده‌ام. سواد ندارم. برای تامین زندگی خانواده مجبورم کار بکنم. روزی ۱۰ ساعت کار می‌کنم. دستمزد روزانه ۱۱۰ پسنجاه تومان است، بیمه نیستم. باید به مشکل ما رسیدگی بکنند."

کارگران از وضع بیمه شکایت دارند و خواه رسیدگی مسئولین به این مشکل هستند. کارگر دیگری می‌گوید: "از ده به ایجا آمده‌ام، تا کار بکنم. بیشتر

اخبار دهقانی

اساس سازندگی در روستاها با مشارکت خود روستائیان پایه گذاری می شود

از طرف جهاد سازندگی ورامین، در ماه گذشته یک سمینار در روزه منطقه‌ای برگزار گردید. در این سمینار مسائل مختلف روستائی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در پایان یک قطع نامه ۱۳ ماده‌ای صادر گردید که برخی از مواد آن به شرح زیر است:

«جهاد سازندگی ورامین پشتیبانی خود را از قطعنامه سمینار مرکزی اعلام داشته و تضییع نهادهای انقلابی را بهر شکل و از سوی هر گروهی محکوم میکند. جهاد سازندگی اساس سازندگی در روستاها را با توجه به رهنمودهای رهبری امکان به بسیج همگانی اقشار مختلف مردم خصوصاً مشارکت خود روستائیان قرار می دهد.

— ما پشتیبانی و حمایت همه جانبه خود را از طرح دولتی نمودن بازرگانی خارجی اعلام داشته و اقدامات قاطعانه‌ای را بر علیه محتکران و واسطه‌ها خواهیم نمود.

— ما از مجلس شورای اسلامی خواستار تاحقی در محاکمه جاسوسان امریکایی و تثبیت قانونی جهاد سازندگی تا عمران آبادی و رفع کمبودهای کشاورزان و دامداران عزیز می باشیم.

— توجه شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی را به این نکته جلب می کنیم که وقفه در سازندگی بوده و باید با یکم کردن آن در جهاد سازندگی با عصب دلسردی جوانان انقلابی پرشوری است که شب و روز در فکر ایجاد شدن عوامل — رفع موانع در جهت تداوم بخشیدن به انقلاب مقدس اسلامی ایران میباشد.

— بعثت رسد و نمودن خودالایسم و نظام بوسیده ارباب و رعیتی، بازگشت سپاه پاسداران به منطقه ورامین نیاز اصلی بوده و با توجه به جمعیت و نیاز منطقه خواستار ایجاد دادگاه انقلاب و بنیاد مسکن می باشیم. استقرار سپاه پاسداران این نهاد انقلابی از بین مردم برخاسته و مورد تاکید امام و امت را در منطقه ورامین ضروری می دانیم.

— در پی فرمان امام درباره اصلاح و تصفیه ادارات و سازمانهای دولتی، جهاد سازندگی ورامین خواستار تغییر سیستم دست و باگیر و پاکسازی ادارات بوده و در صورت عدم توجه به فرمان رهبر انقلاب آزادی خود را جهت قبول وظائف داور دولتی منطقه (بغیر از آموزش و پرورش و بهداشت و پیشگیری) اعلام می دارد.

— در رابطه با فرمایشات مکرر آیت الله منتظری در مورد خرید محصولات کشاورزان با قیمت‌های عادلانه‌تر، پشتیبانی خود را از از زمین منطقه اعلام داشته و تلاش شبانه روزی آنان را در جهت کسب استقلال اقتصادی تایید می کنیم و خواستاریم.

ماضن پشتیبانی از هیئت ۷ نفره از مسئولین وزارت کشاورزی خواستاریم که امکانات و اختیارات بیشتری به هیئت مذکور بدهند، تا این هیئت بتواند برنامه‌های انقلابی خود را اجرا نماید.»

دهقانان می نویسند:

از قره تپه به شهر

اینجانبان اهالی قره تپه به شهر، دارای ۲۵۰ خانوار و ۱۵۰۰ نفر جمعیت، ضمن حمایت از رهبر انقلاب امام خمینی و پادشاه صحیح خود از انقلاب، که به گفته امام، انقلاب مستضعفان علیه مستکبران است، خواهان حل مسائل زیر می باشیم:

«قره تپه فاقد آب آشامیدنی، حمام ناقص، ابزار کشاورزی ناقص و کمبود علوفه دامی، کمبود کسب سیمانی، فاقد درمانگاه و شرکت تعاونی، که تا این تاریخ حدود ۲ سال از انقلاب شکوهمند ما می گذرد، کاملاً طاغوتی اداره می نمودند و روال گذشته است که باعث کمال تاسف همه ماست. قره تپه فاقد شورای ده، که شورا یکی از اصول اصلی انقلاب ما بوده و هست.»

۲۰ درصد افراد ده بی زمین و کم زمین هستند، با وجود زمینهای آبیگه‌بیش از ۶۰ درصد زراعت ده گندم می باشد، که به همین وسیله امرار معاش می کنیم. با تمامی این کمبودها و نارسائی‌ها، ما اهالی ده خواستار قیمت عادلانه گندم هستیم، ما با دلگرمی و متشکل شدن نیروی عظیم دهقانان دست امیرالایسم آمریکا و وابستگی ما به این جهان خوارگانه و کوتاهتر و بریده شود، تا بعنوان حامیان و پاسداران انقلاب و دستاوردهای آن در برابر امیرالایسم ایستادگی جدی کنیم.

این نامه با امضاء و اثر انگشت دهقانان فرستاده شد. دهقانان تا باید شده است. خواست این دهقانان بجا و بحق است باید با در اختیار گذاردن وسائل ضروری تولید، به امر تولید در این روستا کمک کرد. همچنین انتخاب یک مدیریت صحیح و شورائی با شرکت خود دهقانان، بخصوص دهقانان تپه دست، در راس شرکت تعاونی می تواند روابط عادلانه‌ای را در امر کار شرکت ایجاد کند و ضوابط طاغوت زده گذشته را بدور افکند. شورای ده یک ارگان بسیار مهم تصمیم گیری و اجرائی است با اختیارات لازم است، که خود دهقانان در برگزیدن آن شریکند و وجود آن، در صورتی که مردمی و مطابق با شرایط انقلاب باشد، بسیار مفید است. باید نهادن های انقلابی کمک کنند، تا هر چه زودتر شورای ده تشکیل شود و جدا شروع به فعالیت کند.

مخروبه‌های به نام روستای کوهگری

گذری به روستا



زمینهای وسیع روستای کوهگری را به صاحبان واقعی آن یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین برگردانید

اکثر ساکنان این روستا را خرده مالکان تشکیل می دهند. مالک بزرگ این منطقه زمینهای زیادی در اطراف این روستا دارد. محصول عمده این روستا گندم و چغندر است. محصول چغندر، بعد از برداشت محصول، به کارخانه قند مرودشت حمل می شود، و بعد از سنجش عیار آن، تنی ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان قیمت گذاری می شود.

به علت شوری آب روستا، محصول چغندر چندین برابر نیست. بعضی از روستائیان بجای چغندر، پنبه می کارند. در این روستا تراکتور وجود ندارد. خرده مالکان ناچارند برای تراکتور مبلغ زیادی بپردازند.

روستائیان از نظر تهیه مواد غذایی در مضیقه قرار دارند. اکثر آنان باید به شهر بروند و کالاهای مورد نیاز را از شهر تهیه کنند. مسئله کوچ به مقیاس وسیع در این روستا مطرح بوده است. اکثر ساکنان این روستا به شهر کوچ کرده و در آن ساکن شده اند. علت کوچ روستائیان، نداشتن زمین و فقدان امکانات رفاهی در این روستا است.

اکثر زمینهای این روستا در اختیار مالک بزرگ است. بدین ترتیب در گذشته خرده مالک خوش نشین در این روستا وجود داشت، که زندگی آنها در روستا بسیار سخت بود. آنان نیز ناگزیر روستا را ترک کرده و عازم شهر شده اند. کم کم بعد از کوچ اکثر ساکنان، روستا به صورت مخروبه‌ای درآمده است. خانه های زیادی خالی و خراب شده اند، یا در آستانه خراب شدن قرار دارند. با تقسیم زمینهای این مالک بزرگ بین روستائیان کم زمین و بی زمین این منطقه، می توان از مهاجرت روستائیان به شهر جلوگیری کرد، و مهاجرین را به زندگی و کار خود برگرداند.

روستای کوهگری ۶۵ کیلومتری شیراز واقع است. در این روستا ۳۰ خانوار زندگی می کنند. ساکنان این روستا از عناصر ایل باصری هستند. این عده قسمت اعظم دامهای خود را فروخته اند و از طریق کشت و زرع امرار معاش می کنند. این روستا از چوب و گل ساخته شده است. مقاومت این خانه ها در مقابل باد و باران به علت قدیمی بودن بسیار کم است و امکان خراب شدن زیاد. تمام ساکنان روستا های اطراف جاده شیراز — خرامه به اضافه ساکنان این روستا از نظر راه ارتباطی با مشکلات زیادی مواجه هستند. مسیر روستاهای کوچک در چند نقطه با جاده برخورد می کند. این روستاها اکثراً در تابستان خشک هستند، ولی در زمستان آب در آن ها جریان دارد و در نقاط تلاقی آن با جاده، آب در سطح جاده جریان می یابد. برای رفع این مشکل، از سال قبل طرح ساختن جاده جدیدی آغاز شده است. کارهای ساختمانی این جاده به کندی انجام می شود. اگر کار بر منوال فعلی پیشرفت کند، به این زودیها آماده بهره برداری نمی شود. این روستا برق ندارد. این روستا درمانگاه ندارد. روستائیان بیمه باطی مسافت زیاد به شیراز می روند و از امکانات این شهر استفاده نمی کنند. این روستا آب لوله کشی ندارد. آب آن شور و غیر قابل استفاده است. روستائیان مجبورند هر روز به روستای مجاور، که ۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، بروند و از آنجا آب بیاورند. این روستا حمام بهداشتی ندارد. روستائیان در تابستان از آب چشمه برای استحمام استفاده می کنند و زمستانها به روستاهای مجاور می روند. در این روستا یک دبستان و دو کلاس وجود دارد. در این دبستان تا کلاس پنجم تدریس می شود.

اطراف کوره ها و یا در مرحله دولت خان در ۲۰ کیلومتری جاده ساوه قرار دارد. گاهی اوقات در یک اتاق بسیار کوچک ۶ نفر زندگی می کنند.

در کوره های "دولت خان" کارگران خراسانی و افغانی اکثریت را تشکیل می دهند. کسانی که بازن و بیچه هایشان به شهر آمده اند، به کمک همانها خشت میزنند و در همان آلونک ها زندگی می کنند. به آلونک ها نزدیک می شویم. در گوشه ای زمین کوچکی، که چند درخت در آن کاشته شده، چشم می خورد. روی این قطعه زمین سه روستایی خراسانی با چهره های سوخته و بیکل های ورزیده مشغول کارند. بادیدن آنها به این میانه می بینیم که چه پیوندد ناگستنی ما بین این روستائیان و زمین وجود دارد که در اینجا نیز کشت و زرع را از یاد نبردند و اندوه قصدا شستن گوجه فرنگی زمین را بیل میزنند؟

با همسان نوازی خاص خود ما را به نوشیدن استگانی جای دعوت میکنند. شاید وقتی که زیر سایه سیداری، در سوت جای می نشینیم، این زحمتکشان بیاد روستای خود، که در اطراف فریمان است، افتاده باشند. سگوت را نکسته می پریم: بسدر، چرا ده را اول کردید و آمدید اینجا؟ جواب داد: "این سوال را از هزاران کشا و رز منطقه ما، که به شهرها سرازیر شده اند، بکن. او منتظر نماند و خود جواب سئوال ما را، که نیک میدانست (و در اصل پاسخ همه کشا و رزان بود) داد:

زمین، زمین، زمین!

از زمینداران بزرگ که هر کدام صد ها،

دهقانان کم زمین

وی زمین!

باتشکیل کمیته های خود
و باتکیه به پاسداران متعهد
و افراد دلسوز جهاد سازندگی،
به مسئولان دولتی کمک کنید،
تا قانون اصلاحات ارضی
سرپا و بسود شما اجرا شود

از روستاهای خراسان

تا محله فقر «دولت خان» در تهران

این مسیر سالیها دراز فقر و آوارگی است، مسیری که در نتیجه بیباده اربابان ده تا استعمار سرمایه داران در شهر، با خون این محرومان زمین و خلق کنندگان نعمات زندگی رنگین شده است.

با صورتی سوخته از آفتاب و کمربندی چنان خمیده، که گویی کوله بار هزاران سال رنج و بیعدالتی بر دوش اوست. با میلی در دست زمین را میکشود و خاک را جیبش می کند، ولی نه در روستای خود در اطراف تربت حیدریه، بلکه در مرکز دروازه های "تمدن بزرگ" که نوکران امیرالایسم به او وعده داده بودند.

اگر تراکتور به ما می دادند، اگر یک حلقه چاه عمیق دولت برایمان میزد، اگر زمین بقدر کافی به ما میدادند، الان در دیار رفیقت و دور از زن و بیچه هایم، اسیر این اربابهای شهری نبودم.

این اگرها را روستایی جوانی، با با زوانی پولادین و سینهای ستر، در حالی که با برکل میکوبید، عنوان میکرد او که اهل یکی از روستاهای تربت حیدریه است و اکنون اسیر توره پزخانه های تهران است، نمی دانست از کجا و زیش بگوید و یا از کارگریش، چون هر دوی آن ملولاز درد و رنج و محرومیت بود. می گفت:

زمین داریم، ولی در کوهستان است. زمینهای دشت با چاه های عمیق و آب فراوانش مال اربابها. با این حال اگر تراکتور به ما میدادند، همین زمین را هم شخم میزدیم و می توانستیم خرمان را در بیابان و ریم.

اکثر قریب به اتفاق کارگران کوره پزخانه های "دولت خان" را روستائیان از این تپه تشکیل میدهند. آنها مانند همه کارگران کوره پزخانه ها از محرومترین و زحمتکش ترین کارگران این آب و خاک هستند. در اینجا نیز از بیمه حق مسکن، سود ویژه، بهداشت و... حقوق دیگر، که کارگران بقیه صنوف طی سالها مبارزه بدست آورده اند، خبری نیست. کار در این کوره ها با وسایل ابتدایی صورت میگیرد، که قدرت و توان فوق العاده ای لازم دارد. وقتی از همان روستایی پرسیدیم که چرا امروز (جمعه) را کار نمی کنی، گفت:

"کار ما کنتراتی است. باید خاک را آب گرفته و گل بسازیم و بعد خشت درست کنیم. تا حالا برای هر ۱۰۰۰ خشت ۶ تا ۷ تومان مزد می گرفتیم. اما مدتی است که منتظر تعیین نرخ بوسیله کمیته منصفی هستیم. اگر یک روز کار نکنیم حقش نداریم. الان هم میخوام برم دکتر، چون فکر میکنم که شکمم بر خون شده، حالا من هیچ، این کار را (خشت زنی) کارگران با خانوادشان از زیر زین گرفته تا بیجه یک وجبی انجام میدهند."

در کوره پزخانه های دولت خان، که تعدادشان به ۲۵ عدد میرسد، در حدود ۳۰۰ نفر کار می کنند. (روی هر کوره ۸۰ الی ۱۴۰ نفر) تعدادی از کوره های این منطقه گازسوز شده است.

محل سکونت کارگران در اتاقهای بی مهتکل بتوان به آنها اتاق گفت، در

در جهان سوسیالیسم

بلغارها امروزه بیست سال بیشتر از سی سال پیش عمر می کنند

جمهوری توده ای بلغارستان در - دهم تیرماه سال گذشته ۸۴۶۹۴۱ نفر جمعیت داشت. در سال گذشته ۱۳۵ هزار بلغاری دیده به جهان گشودند. انتظار می رود که جمعیت بلغارستان در سال ۱۳۶۲ از مرز ۹ میلیون بگذرد. در سال ۱۳۲۵، بلغارستان ۷ میلیون جمعیت داشت و در سال ۱۳۴۱، هشت میلیون و نیم بلغاری تولد یافت. مهم ترین عامل افزایش جمعیت در بلغارستان، از هنگام استقرار نظام سوسیالیستی تاکنون، بالارفتن انتظار عمر به میزان ۲۰ سال است؛ میانگین انتظار عمر اینک ۷۱ سال است. آهنگ مرگ و میر نوزادان در همین سال ها از ۱۴۴ در هزار در سال ۱۳۲۵ به کمتر از ۲۰ در هزار در سال ۱۳۵۸ کاهش پیدا کرده است.

یکی دیگر از ویژگیهای تحولات جمعیت در بلغارستان، در دهه های پیش، افزایش سهم سکنه شهرهاست، که مهم ترین علت آن رشد مراکز صنعتی است. در سال ۱۳۲۷، کمتر از یک چهارم سکنه در شهرها زندگی می کردند. این بیکره در سال ۱۳۴۹ به پنجاه درصد و اینک به بیش از ۶۰ درصد رسیده است.

در جهان سرمایه داری

بانکهای امریکائی و «سیا» به نتوانشیت های ایتالیا کمک مالی می کنند

بمب گذاری اخیر نتوفا نیست های ایتالیا در ایستگاه راه آهن بولونی، که در نتیجه آن نزدیک به ۸۰ نفر مردم بیگناه کشته و در حدود ۲۰۰ تن سخت مجروح شدند، هر چند خونین ترین تبه کاری این باندها بشمار میرود، سابقه ای بس طولانی و فاجعه انگیز دارد. تنها در چهاره نخست سال میلادی جاری، در - ۴۳۷ عمل تروریستی در ایتالیا، ۲۷ نفر کشته و ۹۴ تن مجروح گشتند. برخی دیگر از بارزترین این عملیات تروریستی را در زیر برمی شمیریم:

۳۱ در ۱۳۴۰ در بمب گذاری در بانکی در میلان ۱۶ تن کشته و در حدود ۱۰۰ نفر مجروح شدند.

۳۱ در تابستان ۱۳۴۱ شش تن از شرکت کنندگان متینگی، که به اعتراض علیه خرابکاری های فاشیست ها در بچویدی کالابریا برگزار شده بود، در بمب گذاری در یک قطار رویزه به هلاکت رسیدند.

۳۱ در ۲۷ خرداد ۱۳۴۵ در جریان تظاهرات ضد فاشیستی در دربرسیا بمبی منفجر شد، که به مرگ ۸ نفر و جراحت ۹۷ تن انجامید.

۳۱ در ۱۳ خرداد ۱۳۴۵، در قطاری، که بین بولونی و فلورانس در حرکت بود، بر اثر انفجار بمب ۱۲ تن کشته و ۴۸ نفر مصدوم شدند.

۳۱ از ۱۱ ادی ۱۳۵۶ تا ۹ تیر ۱۳۵۷ در ۱۴۸۷ عمل تروریستی نتوفا شیت ها و دیگر نیروهای ارتجاعی ایتالیا ۲۳ تن، از جمله آلدومورو، صدراعظم دمکرات مسیحی، به قتل رسیدند.

۳۱ در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، در جریان حمله یک کماندوی نتوفا شیت به دفتر حزب کمونیست ایتالیا در مرکز ۲۳ تن مجروح شدند.

۳۱ از ۱۱ ادی ۱۳۵۷ تا ۹ آبان ۱۳۵۸، در ایتالیا ۲۹ نفر قربانی عملیات تروریستی شدند.

۳۱ اوایل خرداد ۱۳۵۹ در تظاهرات خونت با رنتوفا شیت ها در شهر صنعتی تورین، در شمال ایتالیا، ۱۴ نفر سخت مجروح گردیدند. در شش سال گذشته، عملیات تروریستی در این شهر به هلاکت ۱۳ تن منجر شده است.

در ایتالیا در حدود ۲۵۰ سازمان و گروهک نتوفا شیتی فعالیت می کنند، که جنبش اجتماعی ایتالیا، «حزب دامه دهنده راه موسولینی، برهبری لیرانتی، مهم ترین آنهاست. نتوفا شیت های ایتالیا نه تنها از جانب محافظان ارتجاعی آن کشور، بلکه از سوی بانک های امریکایی و «سیا» نیز تغذیه مالی می شوند.

کارزار تبلیغاتی امپریالیستی علیه زیمبابوه

مطبوعات زیمبابوه، تبلیغات امپریالیستی را علیه این کشور شدیداً محکوم می کنند. روزنامه «صدای خلق زیمبابوه»، در مقاله مشروعی، ضمن بررسی این تبلیغات مغرضانه، اراجیفی را که روزنامه نیویورک تا یزدرباره جنگ داخلی در زیمبابوه نوشته بود، به شدت تکذیب کرد.

صدای خلق زیمبابوه نوشت که نیویورک تا یزد و دیگر مطبوعات امپریالیستی به یک مبارزه تبلیغاتی وسیع و تحریف حقایق علیه زیمبابوه دست زده اند، و این در حالی است که روزنامه های امپریالیستی در گذشته حاضر نبودند به جنایات نژادپرستان در زیمبابوه بهیچ وجه اشاره کنند. از سوی دیگر زیمبابوه اعلام کرد که روابط دیپلماتیک خود را با رژیم نژادپرست افریقای جنوبی قطع می کند.

سادات به نوکری امریکا اعتراف می کنند

انور سادات، این خائن بی هتای تاریخ عرب، در گفتگویی با عده ای از استادان دانشگاه در اسکندریه از یکسو با کمال شجاعت (۱) به نوکری امریکا اعتراف کرد و از سوی دیگر برای ایران و افغانستان اشک تمساح ریخت و دست همپالکی خود، خاندان آل سعود، را رو کرد.

سادات در این گفتگو اعلام کرد: «این من هستم که به دنبال امریکا دویدم و به آنها در کشورم پایگاه نظامی دادم. می دانید چرا؟ آخر جز امریکا چه کسی باید از افغانستان دفاع کند، جاشی که مردم را قتل عام می کنند؟ چه کسی باید از پاکستان و ایران دفاع کند؟ به من بگوید چه کسی از خلیج فارس (فارس) در - مقابل تهدید شوروی (۱) دفاع خواهد کرد؟ سادات که چند بار اراجیف

اربابان امریکائی خود را درباره اصطلاح تهدید شوروی و «آشوبهای داخلی» در منطقه تکرار کرد، در کنگره جنابان اساتید گفت که، تسهیلات نظامی امریکا در مصر در خدمت کشورهای عرب و مسلمان خواهد بود (۱) که قربانی «تجاوز» شده اند.

انور سادات، در این کنگره دست همپالکی خود و نوکر دیگر امپریالیسم امریکا، یعنی خاندان آل سعود، را «رو» کرد و گفت که: «عربستان سعودی به طور بسیار محرمانه پایگاه های نظامی در اختیار امریکا قرار داده است.»

بدین ترتیب گزارش های ماه های اخیر محافل ترقی خواه، مبنی بر اینکه عربستان به پایگاه نظامی بزرگ امپریالیسم امریکا تبدیل شده، کاملاً تأیید می شود.

انور سادات، در این گفتگو بار دیگر به اتحاد شوروی اشاره کرد و گفت: «فضای روابط دو کشور مصر و شوروی بسیار سرد است و برای آنکه روابط گرم شود، شوروی باید روش خود را نسبت به مصر تغییر دهد» (۱)

(قابل توجه طرفداران سازش دوا بر قدرت)

دون کیثون دبیر ای عرب، از سوی دیگر خشم دیوانه وار خود را از تحکیم مبارزات ضد امپریالیستی خلق های عرب نشان داد و گزارشهای مربوط به اتحاد سوریه و لیبی را «کویدگانه خواند و گفت: «دنیای عرب دست یک مشت بچه قرار گرفته است.»

فاشیسم خطر بزرگی برای مردم ژاپن است

انور سادات، در این گفتگو، در مورد فاشیسم و فاشیست ها، اظهار نظر کرد و گفت: «فاشیسم خطر بزرگی برای مردم ژاپن است. فاشیست ها در گذشته، سیاست های خارجی همدار داده و اعلام کرده است که فاشیسم خطر بزرگی برای مردم ژاپن است.»



امریکا از سیاست مستقل هند خشمگین است

محافل اجتماعی هند خشم و نفرت خود را از سیاست امپریالیسم امریکا در مورد اتخاذ تدابیر تجاری تبعیض آمیز علیه این کشور ابراز می دارند.

امپریالیسم امریکایی که از سیاست مستقل هند، به ویژه در زمینه محکوم کردن مداخلات بیشترانه خارجی در امور افغانستان و شناسایی دولت قانونی و خلقی کامپوچیا به خشم آمده است، اعلام کرده است که در برابر ورود پاره ای از کالا های هند، از جمله منسوجات و غیره، به امریکا مواعظی ایجاد می کند. امپریالیسم امریکا همچنین تحویل سوخت برای نیروگاه هسته ای هند را قطع کرده است.

مطبوعات هندنوخته اند که امپریالیسم امریکا یکبار دیگر چهره کریه خود را نشان داده است و در برابر سیاست مستقل هند از حربه قدیمی و ردیالانه شناژ اقتصادی استفاده میکند. از سوی دیگر امپریالیسم امریکا با همدستی رژیم پکن، به تلاشی وسیع برای ایجاد نا آرامی در مناطق مختلف هند دست زده است، حتی روزنامه های - امریکائی، از جمله روزنامه «بالتیمور سان»، تلویحا به این مداخله اعتراف می کند. به نوشته این روزنامه، در جاده کشمیر یک نهضت مقاومت به وجود آمده است. این گروه با رژیم پاکستان روابط نزدیک دارد.

اقدام های اقتصادی تبعیض آمیز امریکا علیه هند یکبار دیگر نشان می دهد که امپریالیسم امریکا با هر کشوری که بخواهد سیاست مستقلی را در پیش گیرد، دشمنی آشتی ناپذیر دارد.

مبارزه با بیسوادی در افغانستان به شدت ادامه دارد

در پی تعطیلات تابستانی، دانش آموزان افغانستان با ردیگر تحصیلات خود را، با امید فراوانی به آتیه، آغاز کردند.

دولت انقلابی افغانستان، با حمایت روز افزون توده ها، همراه با پیروزی های درهم شکننده عوامل - امپریالیسم امریکا و فئودالها، فراری، عزم راسخ دارد که جهل و بیسوادی، این میراث شوم دوران سلطه چپا و لگرن و غارتگران، را ریشه کن کند.

دکتر آنا هیتا را تب زاد، وزیر - آموزش افغانستان اعلام کرد که دولت انقلاب صدها مدرسه جدید برای تحصیل فرزندان دهقانان و کارگران و دیگر زحمتکشان در سراسر کشور ایجاد می کند و برنامه وسیعی برای آموزش کار درهای ورزیده تهیه شده است.

سیاست دولت محافظه کار انگلستان، پر ضد زحمتکشان و بسود انحصارات است

دولت محافظه کار انگلیس، در ادامه سیاست خود در جهت خدمت هر چه بیشتر به انحصارات، برای به اصطلاح صرفه جویی، اقتصادی تصمیم گرفته است که بودجه آموزش کشور را در سال جاری دو بیست میلیون لیره دیگر کاهش دهد. دولت مارگارت تا جراین اقدام را برای مقابله با بحران اقتصادی فزاینده کشور «ضروری» تشخیص داده است. مادر همان حال اعلام شده است که بودجه دفاعی انگلیس به رقم بی سابقه ده - میلیاردها پوند هفتصد میلیون لیره رسیده است. انحصارات، اربابان و اقلیت حزب محافظه کار، با این همه تقاضا دارند که شصت میلیون لیره دیگر بر - بودجه نظامی کشور اضافه شود. سیاست شرم آور وریا کارانه دولت تا جربیش از پیش خشم زحمتکشان انگلیس را بر - می انگیزد.

امریکا به نقش خود علیه انقلاب ایران اعتراف می کند

ویلیام ساندروز، مقام برجسته وزارت خانه امریکا، به صراحت اعلام کرد که به خاطر رویدادهای افغانستان و ایران (انقلاب های دو کشور) امریکا مجبور است ژاندارم منطقه باشد. ساندروز با این سخنان نگرانی عمیق امپریالیسم امریکا را از گسترش اثرات انقلاب ایران به منطقه ابراز داشت. ساندروز گفت:

«رویدادهای افغانستان و ایران کشورهای منطقه را در معرض خطر قرار داده است.»

البسته بر همه روشن است که منظور از این کشورهای منطقه، همانا رژیم های ضد خلقی و دست نشانده امریکا در منطقه است. رژیم های مانند رژیم قابوس، ملک خالد، صدام، سادات، ضیاء الحق و غیره.

مقام امریکائی تلویحا به نقشی که از جانب امپریالیسم امریکا به خاندان آل سعود، در مورد عهده گرفتن نقش ژاندارم منطقه محول شده، اشاره کرد و در همین حال نگرانی خود را از - گسترش مبارزات نیروهای آزادیخواه عربستان علیه این خاندان سر سپرده ابراز داشت.

ساندروز می گوید: «لازم است عربستان و همسایگان آن را از یک نیروی دفاعی مناسب برخوردار ساخت.»

اعترافات ساندروز در مورد هدفهای جنایتکارانه امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران و افغانستان تردیدی باقی نمی گذارد، و سازشکارانی را که تدارکات جنگی امریکا را در منطقه، با زداشت جاسوسان امریکائی، ارتباط می دهند، به خوبی افشا می کند.

همکاری نظامی ژاپن و امریکا گسترش می یابد

دولت ژاپن بیش از پیش به ارباب سیاست های امپریالیسم امریکا و ناتو بسته می شود.

اگرچه جنگی انگلیسی قرار است وارد بندر یوکوهاما شوند و همسراه با کشتی های جنگی ژاپن، ما نورهای مشترک انجام دهند. این ما نورها مقدمه همکاری گسترده تر ژاپن با بیما نظامی ناتو تلقی شده است.

اعتصاب غذای زندانیان فلسطینی ادامه دارد

یک زندانی سیاسی دیگر فلسطینی، که در زندان صهیونیست ها در شهر اشکلون دست به اعتصاب غذا زده بود، در گذشت. در هفته های اخیر زندانیان سیاسی فلسطینی در زندانهای صهیونیست ها کشته شده اند. چند هفته است اعتصاب غذای عده ای از زندانیان سیاسی فلسطین در زندانهای صهیونیست ها ادامه دارد.

تدارکات نظامی امریکا در خلیج فارس

امپریالیسم امریکا به سرعت برای یک ماجراجویی نظامی خطرناک در خلیج فارس آماده می شود. تمرین های چند هفته ای «نیروهای واکنش سریع» در ایالت آیداهو در امریکا، در شرایطی شبیه به شرایط خلیج فارس به پایان رسید. هم اکنون بیش از سی تا جنگی امریکائی با چند هزار تفنگدار دریائی و سیمده فرود هواپیما در نزدیکی آبهای منطقه به سر می برند.

از سوی دیگر امپریالیسم امریکا به سرعت سرگرم تقویت پایگاه تجاویزی خود در دریای مکزیک است، تا بتواند در صورت لزوم طرف سه روزی سفر تفنگدار دریائی از این پایگاه در خلیج فارس پیاده کند.

برقرار باد اتحاد
همه نیروهای
ضد امپریالیستی
و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

از تعطیل دانشگاهها قبل از همه و پیش از همه فرزندان طبقات و اقشار کم درآمدزبان می بینند

مسئله انقلاب فرهنگی، که اصولاً از نخستین ایام پس از پیروزی انقلاب مطرح بوده، در ماههای اخیر وحدت و شدت خاصی کسب کرده، و در ارتباط با آن مسئله تعطیل دانشگاهها مطرح گردیده است.

قبل از اینکه وارد موضوع مورد نظر، یعنی بحث در اطراف اجرای صحیح انقلاب فرهنگی بشویم، لازم میدانیم بار دیگر موافقت خود را با لزوم انقلاب فرهنگی و ضرورت پاکسازی فرهنگ مبین خود از کلیه فسادها و پلیدیهای غربزدگی و وابستگی و طاقوتی، اعلام کنیم. هیچ انقلابی بدون ایجاد انقلاب در فرهنگ جامعه نمی تواند زنده بماند و به پیروزی نهایی برسد. فرهنگ و اصول آموزشی، که از رژیم مغزور سابق برای ما پارت مانده، یک فرهنگ و آموزش طبقاتی است، که به موقع خود برای در بند کشیدن جسم و روح مردم ایران و موجودیت کشور، ایجاد و برزخلی ما تحمیل گردیده است. ما باید این فرهنگ و آموزش فاسد را زیر و زبر سازیم و بر اساس اصول و استقلال آزادی و خدمت به کوخ نشینان و رهایی جامعه از چنگال کاخ نشینان، فرهنگ نو و آموزشی نو بوجود بیاوریم.

و اما این تغییر حیاتی و ضروری را چگونه باید انجام داد، تا عملاً بسود ضدانقلاب منجر نشود و از نیت خیر نقض غرض حاصل نگردد؟

د راین مقال کوتاه امکان بحث درباره همه جوانب مطلب وجود ندارد. همچنین برای توضیح این واضح، که بدون ایجاد تحول بنیادی در زیربنای جامعه، یعنی مناسبات اجتماعی - اقتصادی و سلب اقتدار اقتصادی و سیاسی از سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ و کلیه اقشار و طبقات طاقتور، بدون ایجاد تحول در مناسبات مالکیت و مناسبات تولیدی، طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و تغییر بنیادی در نسج اجتماعی جامعه ایران، انقلاب فرهنگی واقعی امکان پذیر نخواهد بود، نیازی نمی بینیم.

و اما درباره مسئله مورد نظر این مقال، اجرای صحیح انقلاب فرهنگی و بطور مشخص مسئله تعطیل دانشگاهها، که به یکی از حادترین مسائل جامعه انقلابی ما تبدیل گشته، باید بگوئیم که باید همه عواقب این کار را از حلالا پرورشی دید و با علم به ابعاد مسئله تصمیم گرفت و عمل کرد. تعطیل دانشگاهها حداقل پس از آموخته های زیر را خواهد داشت:

- ۱- بسیاری از کسانی که امکان مالی دارند، (یعنی طبقات مرفه)، خواهند کوشید فرزندان خود را برای تحصیل به کشورهای خارجی بفرستند و در مقابل، فرزندان کسانی که امکان چنین کاری را ندارند، (یعنی طبقات پائین و پائین تر جامعه) از امکان تحصیل محروم خواهند ماند. یعنی، ما در حالیکه برای نجات از فقر، ما فاسد استعماری، تصمیم به اجرای انقلاب فرهنگی گرفته ایم، عملاً

چه نیروئی مانع تأمین امنیت قضائی است؟

تأمین امنیت قضائی، امروز بصورت یکی از حادترین مسائل انقلاب ایران در دوران گذار و سازندگی درآمده است. فقدان امنیت قضائی بحق همه راه از امام خمینی گرفته تا مردم کوچک و بزرگ، تکرار ساخته است. حقیقتاً جامعه ای که در آن امنیت قضائی وجود نداشته باشد، دوام نخواهد آورد و برترید متلاشی خواهد شد.

فقدان امنیت قضائی، یکی از مهم ترین عوامل سقوط نظام شاهنشاهی بود. در داخل این نظام استبدادی، نه تنها مردم عادی، بلکه حتی ثروتمندان و صاحبان نفوذ هم امنیت قضائی نداشتند. کافی بود الا حضرتی، والا کبری، چشم طمعتش به شرکت سودآوری یا زمین حاصلخیزی بیفتد، تا چرخ تمام قوانین کشور برای تأمین خواست او در عکس جهت حرکت درآید. از امنیت سیاسی، اخلاقی و حیثیتی در آن نظام جهنمی، که مخالفان رژیم را در خیابانها به آتش می بستند، به همین دوستانی چون روزبه و سیامک تهمت جاسوسی میزدند و روحانین مبارز را کسرستی چون اسام خیمتی و آیت الله طالقانی را به زندان و تبعید می فرستادند، سخنی نگوئیم. رژیم شاهنشاهی بدون سلب امنیت قضائی از جامعه نمیتوانست به حیات خود ادامه دهد، زیرا در مردم ریشه های نداشت و اعمال زور (نه رعایت قانون) یگانه وسیله بقای آن بود. حکومت قانونی (حتی قانونیکه همان مجلس فرمایشی وضع میکرد) دست و پال «خاندان جلیل سلطنت» و «روایستگان» بدربار ننگین پهلوی را در غارت و دزدی می بست. سلب امنیت قضائی، بهترین وسیله این غارت و دزدی بود.

جمهوری اسلامی ایران، با آن سرشت مردمی و پایگاه گسترده اجتماعی خویش، نیازی به محدود کردن امنیت قضائی توده های مردم ندارد. اما می بینیم که در آن، با کمال تأسف، فقدان امنیت قضائی بشدت احساس میشود و فکر همه را نیز بخود مشغول کرده است.

برخی علت عدم وجود امنیت قضائی را نابسامانیهای بعد از انقلاب میدانند. این درست است، اما نابسامانیهای بعد از انقلاب ضرورت ناکریر نداشت. بویژه دوام آن توجیه ناپذیر است. ما میتوانستیم این نابسامانیها را با تکیه بر خصلت خلقی و مردمی انقلابیان بزرودی از میان برداریم و امنیت قضائی را بر سراسر کشور مستقر سازیم، و اگر تاکنون این مهم انجام نکرده و نقض امنیت قضائی بسطی رسیده است که بگفته مسئولان امر، نظم جمهوری اسلامی ایران را تهدید میکند، گناه آن را باید در عملکرد کسانی یافت که در این نوزده ماه پس از انقلاب، هر گونه هرج و مرج را به نام «مردم» تیره و حتی از آن پشتیبانی کرده اند.

در یک جامعه انقلابی خواست مردم باید بصورت قوانین و مقررات انقلابی لازم الراعیه برای همگان درآید و تمام نهادهای انقلابی انرا بدون کم و کاست اجرا کنند. ندادن به گرایشهای آنا رشیستی گروههایی خود بنام «مردم» تصمیم میگیرند و امنیت قضائی فرد فرد مردم و سازمانها و گروهها و احزاب سیاسی و آزادی های تضمین شده در قانون اساسی را به محاطه می افکنند، هموار کردن راه برای پیشروی ضدانقلاب است. اگر انقلاب مایه توانست بر جو آنا رشیستی ناشی از عدم تشکل فائق آید و هنوز هم هر گروهی برای خود سازی می زند، علت انرا باید در مسامحه و غفلت مسئولان امور در سازماندهی انقلابی جامعه دانست.

تشکیل سیستم اداره شورائی، که میتواند در هر ده، شهر، شهرستان و استان یک مرکز نیرومند متکی به توده های مردم بوجود بیاورد و تمام نهادهای انقلابی را نیز در سیستم واحدی زیر نظارت شورا بخدمت مردم بگمارد، بی هیچ دلیل منطقی و معقولی عملاً موقوف ماند. شوراها نمیتوانستند فعالیت تمام ادارات و نهادهای انقلابی را در منطقه و در سطح کشور هماهنگ کنند، جلوی سوء استفاده های گروههای قدرت طلب را بگیرند، امنیت قضائی را برقرار کنند، دزیش برد بسرفامه های اقتصادی نقش موثر ایفا نمایند، توده های مردم را بوظایفشان آشنا سازند و جامعه را بسوی تشکل انقلابی سوق دهند، بجدائی بین مردم و دولت، که طی قرنهای متوالی شکل گرفته است، پایان گذارند و بتدریج جامعه ای یکپارچه بوجود آورند، که در آن زمینه اجتماعی برای نقض امنیت قضائی اصلاً وجود نداشته باشد. نقض امنیت قضائی، که امروز یکی از بزرگترین بیماریهای جامعه ماست، تنها یک خودسری آنا رشیستی نیست. گاهی نقض امنیت قضائی ریشه های عمیق تری دارد. علاوه بر گروه های آنا رشیستی، گروههای دیگری نیز وجود دارند که آگاهانه امنیت قضائی را، با علم و وقوف به عواقب اجتماعی آن نقض میکنند. هدف آنان بیش از آنکه تعرض به

سازندگی و دیگر امور تولیدی و غیره این خطر را از میان نخواهد برد - بویژه در شرایطی که ما نه تنها اسل، بلکه سالیان دیگری نیز همواره در معرض تحریک و توطئه و تجاوز و دستبرد امپریالیسم آمریکا قرار خواهیم داشت.

بدین ترتیب: اولاً - انقلاب فرهنگی لازم و واجب و تاخیر ناپذیر است. ثانیاً - تعطیل دانشگاهها بمنظور اجرای انقلاب فرهنگی، راهی است که معایب و زیانها و مخاطرات مذکور در فوق را دربر دارد.

ما معتقدیم که در اصول آموزشی بسیاری از رشته های علم و تقریباً در همه علوم دقیقه، از قبیل علوم مربوط به صنعت، فیزیک، شیمی، ریاضیات، پزشکی، معماری و غیره در همین مدت تعطیلات تابستان، ایجاد تحول متری امکان پذیر بوده و هست. می توان از سال تحصیلی جدید این رشته ها را بصورت جدید، با برنامه جدید و انقلابی ادامه داد. برنامه علوم اجتماعی از قبیل تاریخ، فلسفه، اقتصاد، ادبیات، حقوق و غیره را هم که علمی است عمیقاً طبقاتی و دوتیجه نیاز به بازسازی بنیادی دارد، باید در اسرع وقت تنظیم کرد و نگذاشت، تعطیل این دروس به درازا کشد.

جامعه بشری بصورت در راه ترقی علم و صنعت به پیش میرود. آنچه ما باید از فرهنگ خود بزدائیم فرهنگ استعماری، طاقتورزدگی، فساد، روحیه سود پرستی و وابستگی است. اجرای این تدابیر باید بصورتی باشد که در اسرع اوقات کشور ما را به درجه خود کفائی، چه از لحاظ تولید و چه از لحاظ کادر و تکنولوژی برساند. باید برای اجرای هر چه سریعتر و هر چه عمیقتر انقلاب فرهنگی راههای معقول تر، انقلابی تری پیدا کرد.

گفته میشود که پس از تعطیل دانشگاهها، دانشجویان و جوانان برای کار در جهاد سازندگی و بسج و غیره گسیل خواهند شد. البته، این خود تدبیر تربیتی بسیار مهمی است، زیرا که سیل عرق ناشی از تلاش و زحمت بر جبین، عقل و وجدان را صیقل میدهد و گروه های آبله بر دست، رشته مسلک و عقید در استحکام می بخشد. آشنائی نزدیک یا رنجبا آلام کوخ نشینان خود مکتبی است آموخته راه زندگی شرافتمندانه، ولی با وجود همه اینها، کسی که از تحصیل و کسب تخصص محروم بماند، نمیتواند در اداره تکنولوژی و اقتصاد بفرخ آمروزی، آنهم در کشور ما، که با یک اقتصاد مریض و معیوب و رشکست، در جستجوی راه نجات است، موضع کلیدی داشته باشد، هر چند هم متصف به تقوا و دیگر صفات عالییه انسانی باشد.

۳- مسئله مهم دیگر، سوء استفاده های است که ضدانقلاب از این وضع خواهد کرد. ضدانقلاب خواهد کوشید تا تعطیل دانش گاهها را به دست آویزی جهت اخلاص علیه جمهوری اسلامی ایران مبدل سازد.

با تعطیل دانشگاهها هزاران دانشجو و استاد و ده ها هزار نفر از اولیا و نزدیکان آنها مورد سوء استفاده مریض و خرابکاران قرار خواهند گرفت، که عواقب آنرا نمیتوان پیش بینی کرد. اعزام دانشجویان به جهاد

دستگیری سه توده ای در بندر دیلم بعلت کشف نشریات یک سازمان سیاسی دیگر!

سه تن از هواداران حزب توده ایران در بخش بندر دیلم، به اسامی اسماعیل حسنی، علی صدیق و نعمت الله هاشمی به جرم «توقف در محل اختفای نشریات یک سازمان سیاسی دیگر» توسط سپاه پاسداران این منطقه دستگیر شدند!

بر اساس اطلاع رسیده، افراد سپاه پاسداران در چند قدمی دو دانش آموز هوادار حزب توده ایران، تعدادی نشریه «کار» از زیر خاک بیرون می آورند، و ظاهراً چون دودانش آموز مزبور از سایر کسانی که از آن نقطه رفت و آمد می کردند، به محل مزبور نزدیک تر بودند (یا بعضی می شوند که این نشریات به دو دانش آموز هوادار حزب توده ایران تعلق دارد. علیرغم تذکر دانش آموزان مبنی بر اینکه آنها هوادار حزب توده ایران هستند و ارتباطی با نشریات مذکور ندارند، افراد سپاه آنها را به منظور بردن به سپاه دستگیری می کنند. در این موقع یکی دیگر از هواداران حزب توده ایران، که در محل حضور داشته است، به این عمل اعتراض می کند، که او را نیز دستگیر و روانه زندان می کنند!

به دنبال این ماجرا، مسئولین حزبی در منطقه، به منظور رفع سوء تفاهم و اعلام عدم ارتباط دستگیر شدگان با سازمانی که نشریات بدست آمده متعلق به آن است، به سپاه پاسداران مراجعه کردند. لیکن مسئولین سپاه پاسداران بندر دیلم نه تنها به توضیح آنها توجه نکردند بلکه با صدور اعلامیه ای در سطح شهر، علاوه بر نسبت دادن تهمت های ناروا به حزب توده ایران، کوشیدند تا رفقای ما را عناصر مجرم جلوه دهند. ما ضمن اعتراض به این عمل، از دادستانی انقلاب بوشهر میطلبیم که هر چه سریعتر به این عمل غیرقانونی رسیدگی کند و دستگیر شدگان را آزاد سازد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه مردم، روز دوشنبه ۱۷ شهریور ۵۹، بمناسبت سالگرد جمعه خونین منتشر نمیشود

راديو، از زبان کيهان، عليه حزب توده ايران؟!

است و ضرورت تامین اتحاد کلیه نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بیشتر از پیش حدت و فوریت یافته است.

در چنین شرایطی حمله به پشتیبانان صديق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، یعنی حزب توده ایران، از زبان کيهان، امری است تاسف‌آور که به مصالح انقلاب ایران زیان میرساند.

ما ضمن تأیید تحولات مثبت اخیر در صدای جمهوری اسلامی ایران در جهت تقویت جنبه ضدامپریالیستی برنامه‌های این ارگان مهم تبلیغاتی، خواهان قطع این گرایشی دشمن-شادکن و تفرقه‌انگیز علیه حزب توده ایران هستیم.

اعتراض هواداران حزب توده ایران در مسائل و شاندرمن به اعمال نفاق افکنانه

هواداران حزب توده ایران در مسائل و شاندرمن، با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن اعتراض به اعمال نفاق افکنانه عوامل آگاه و ناآگاه در این منطقه، خواستار اتحاد مردم و نیروهای انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا شدند.

در این اطلاعیه، که به دنبال پخش تراکت‌های بی نام و نشان در شهر مینوی مبارزه علیه توده‌ای‌ها زیر نقاب «اسلام»، صادر شده، آمده است: «جنبه واحد ضدانقلاب در تمام عرصه‌ها مشغول جولان دادن و خرابکاری و کشتار نیروهای انقلابی است. ضدانقلاب در صدد ایجاد پایگاه و نفاق‌اندازی بوده‌است. متأسفانه در بعضی از عرصه‌ها موفق هم شده است.

جای تعجب و تأسف است که علیرغم فراخوان تاریخی امام خمینی و هشدارهای مکرر حزب توده ایران، که همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از داشتن اختلافات گوناگون مسلکی،

هدف از ایجاد تشنج و جو رعب و وحشت، کشاندن نیروهای انقلابی، بویژه حزب توده ایران به جنگ طایفه‌ای، و نهایتاً منع فعالیت آزادانه حزب توده ایران در منطقه است. ما هواداران حزب توده ایران به مقامات مسئول محلی هشدار میدهم که، از هم‌اکنون باید جلو این جو تشنج راه، که بی‌شک بنفع امپریالیسم آمریکا و کودتاچیان است، بگیرند، تا ضدانقلاب نتواند با ایجاد نفاق در صفوف متحد خلق به دستاوردهای انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران برهبری امام خمینی بی‌رحمانه یورش آورد و آن را نابود کند.

در پایان اعلامیه آمده است: ما هواداران حزب توده ایران در مسائل و شاندرمن، تمام نیروهای راستین انقلابی را به صبر و بردباری دعوت می‌کنیم و خواستاریم که با همکاری تمام، نه تنها متوجه دام گسترده نیروهای تشنج‌آفرین باشند، بلکه شدیداً از درگیری‌های لفظی و بحث‌های خیابانی، که به این جو کمک میکند، پرهیز کنند، تا بتوانیم با اتحاد همه نیروهای راستین خلق، ضدانقلاب و نیروهای تشنج‌آفرین را افساد و رسوا کنیم. بخصوص آنکه اینک در آستانه برداشت محصول هستیم و شدیداً به هشیاری و آمادگی نیازمندیم، زیرا هرگونه اختلاف باعث رکود در برداشت محصول زرتکشان می‌شود، که نتیجتاً به نفع امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکاست.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان خواستار اتحاد مردم در مبارزه با امریکا شد

پاسداری توده‌ای از مراکز مهم تولیدی و غیر تولیدی را سازمان دهد

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان، ضمن صدور بیانیه‌ای، با اشاره به گسترش فعالیت و استکان امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی در این منطقه از مردم خواست تا برای مقابله با نقشه‌های شیطانیه امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی متحد شوند.

در این بیانیه ضمن اشاره به «روزگار پر ستم و خونین سلطه خاندان فاسد پهلوی» و شکوه انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و خلقی ایران برهبری امام خمینی، از جمله آمده است: «بیاد آورید که ضدانقلاب داخلی و خارجی، برهبری امپریالیسم آمریکا، برای شکست انقلاب ایران به چه نیرنگها، توطئه‌ها و تبهکاریهای جنایتکارانه متوسل شد و فراموش نکنید که ضدانقلاب درست در مواقعی موفق به پیاده کردن نقشه‌های خود شده است که نفاق و رویا-رویی خصمانه نیروهای داخلی وفادار به انقلاب توسط عوامل ضدانقلاب به اوج خود رسیدند است.»

در دنباله بیانیه می‌خوانیم: «در این لحظات حساس سر-نوشت ساز، حزب توده ایران، همانطور که در گذشته نشان داده است، چاووش اتحاد و مبارزه هشیارانه مردم و ضدامپریالیستی و دفاع از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان در این برهه زمانی دوران ساز تاریخ ایران، همه مقامهای مسئول جمهوری اسلامی ایران در خوزستان را به اهمیت شرایط کنونی توجه می‌دهد و جدا می‌خواهد که بر اساس مشترکات مبتنی بر عالیترین مصالح توده‌های میلیونی زحمت-کشان شهر و روستای کشور، یعنی حفظ دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از تجاوز و دستبرد امپریالیسم و قلع و قمع ضدانقلاب داخلی، توده‌های زحمتکش شهر و روستا را بسیج و مسلح کنند، پاسداری توده‌ای از نقاط و مراکز مهم تولیدی و غیرتولیدی را سازمان دهند و با تکیه بر بسیج همه‌جانبه توده‌ها، هرگونه توطئه ضدانقلاب را در نطفه خفه کنند و با تلاش برای نوسازی بنیادی اقتصاد، صنعت کشاورزی، فرهنگ، ارتش و بهداشت و از میان بردن مهم‌ترین مشکلات زندگی زحمتکشان و

حزب توده ایران شهربانان را با بهره‌گیری از تجربه مبارزه طولانی خود در جنبش کارگری و ضدامپریالیستی ایران و تاریخ جنبش جهانی کارگری و ضدامپریالیستی علیه توتالیتریزم و استبداد می‌لینوسکی مردم ایران را پاسداری از جمهوری اسلامی ایران از راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست ایران و همبستگی با همه نیروهای ضد امپریالیست جهان می‌داند.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان، علیرغم دشواری‌هایی که بر سر راه فعالیت قانونی و آزاد آن وجود دارد، با همین پیشش علمی، از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران صمیمانه حمایت می‌کند و با هرگونه تلاش جنایت‌آمیز پنهان و آشکار امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم بعث عراق و ضدانقلاب داخلی، که برای شکست انقلاب ایران صورت می‌دهند، با همه نیروهای مبارزه می‌کند و برای نیل به این هدف، در راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست در جنبه‌های متحد و مردمی به رهبری امام خمینی از صرف هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند.

محمدقلی پناهی وحدت آزاد شد

پدنبال انتشار خبر دستگیری معلم مبارز نظرآباد هشتگرد، محمدقلی پناهی وحدت، در شماره مورخ ۴ شهریور ۵۹ نامه مردم، اطلاع یافتیم که در اثر برخورد اصولی و منطقی سپاه پاسداران کرج و دادستانی انقلاب ایمن شهرستان، نامبرده آزاد گردیده است، که متأسفانه بعثت در اشتغال

رفیق پرویز صادقی آزاد شد

اطلاع یافتیم که رفیق پرویز صادقی مسئول سازمان حزب توده ایران در کرمانشاه که بدلیل بازداشت شده بود آزاد شده است. ما ضمن تأیید این اقدام خواهان بررسی علل بازداشت بدلیل این رفیق مبارز و مجازات قانون شکنان هستیم.

نامه آقای محمود اعتمادزاده (به آذین) صاحب امتیاز و مدیر روزنامه اتحاد مردم، به دادستان کل انقلاب، در اعتراض به اشغال دفتر این روزنامه توسط افراد غیرمسئول، به اشغال دفتر این روزنامه توسط افراد غیرمسئول

رو نوشت نامه آقای محمود اعتمادزاده «به آذین» صاحب امتیاز و مدیر روزنامه «اتحاد مردم» به دادستان کل انقلاب، در اعتراض به اشغال دفتر این روزنامه توسط افراد غیرمسئول، به نامه «مردم» رسیده است، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد:

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای علی قدوسی دادستان کل انقلاب به اطلاع آن مقام محترم می‌رساند که، صبح امروز پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۹، هنگامی که اعضای دفتر روزنامه «اتحاد مردم» - بمیدریت اینجناب محمود اعتمادزاده «به آذین» و سردبیری آقای محمدتقی برومند برای شروع کار هرروزه‌شان به محل این نشریه، واقع در خیابان سزاوار، کوچه جاوید ۲، شماره ۱۸۹، رفتند، آنجا را در اشغال اشخاصی یافتند که مدعی عضویت در حزب الله هستند. این حضرات که متأسفانه سابقه متنوع و مکرری در اینگونه حرکات خودسرانه دارند و ممانعتی هم نمی‌بینند، به آنان حتی اجازه ورود به محل کارشان را هم ندادند. به قراری که شنیده شد، این آقایان شبانه یا شاید نزدیک صبح، درحالی که هیچیک از کارکنان روزنامه در محل نبوده‌است، به طریقی زردوز داخل آنجا شده و معلوم نیست چه بلائی برس مختصر اثاثه و وسائل کار دفتر، از قبیل میز و صندلی و ماشین تحریر و دوره‌های روزنامه‌ها و غیره آورده‌اند. آنچه به راستی مایه شگفتی است و درجه بی‌بروایی این آقایان را معلوم می‌دارد، آن است که، این عمل هنگامی روی می‌دهد که همه احکام احتمالی مربوط به مصادره و دستگیری اشخاص و اشغال محل و امثال آن، از تاریخ ۲۰ شهریور ۵۹، از سوی آن جناب، حجت‌الاسلام قدوسی دادستان کل انقلاب، باطل اعلام شده است.

اینجناب محمود اعتمادزاده، صاحب امتیاز و مدیر روزنامه «اتحاد مردم»، که پروانه انتشار آن در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۵۸، به شماره ۸۵۹۸، از سوی وزارت ارشاد ملی صادر گردیده و به ثبت رسیده است، بدین وسیله اعتراض شدید خود را به این عمل هرچه مرجع طلبانه، که همه حقوق مدنی و سراسر قوانین جاری، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را لگدمال و بی‌اعتبار می‌کند، اعلام میدارم و مصرأ از آن مقام محترم خواستارم که با استفاده از قدرت قانونی و انقلابی، که جامعه در اختیار آن جناب گذاشته است، ترتیبی برای رفع مزاحمت این اشخاص بی‌بندوبار و غیرمسئول بدهند و محل روزنامه را در اختیار کارکنان آن بگذارند. به امید اقدام عاجل اینجناب و با تقدیم احترام. محمود اعتمادزاده

تشنج و درگیری به کسماء نیز سرایت کرد

دفتر حزب توده ایران شهربانان را با بهره‌گیری از تجربه مبارزه طولانی خود در جنبش کارگری و ضدامپریالیستی ایران و تاریخ جنبش جهانی کارگری و ضدامپریالیستی علیه توتالیتریزم و استبداد می‌لینوسکی مردم ایران را پاسداری از جمهوری اسلامی ایران از راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست ایران و همبستگی با همه نیروهای ضد امپریالیست جهان می‌داند.

دستگیری ده تن از اعضا و هواداران حزب توده ایران در اراک

ده تن از اعضا و هواداران حزب توده ایران، در شهر صنعتی اراک، بهنگامیکه مشغول نصب پوسترهایی «خطر آمریکا جلی است...» بودند، دستگیر شدند و به کمیته انتقال یافتند.

پدنبال حملاتی که به دفتر حزب ما میشود و تشییقاتی که در راه فعالیت قانونی حزب ما فراهم میگردد، توقیف ده تن ایرانی مبارزی که هدفشان چیزی جز متوجه کردن «همه قلمها و تشنگها بسوی آمریکا» و نشان دادن دشمن عمده انقلاب ما، شیطان بزرگ نبوده است، بحسب تکرانی آور و سئوال انگیز است.

بودن دفتر نامه «مردم»، این خبر دیر بدست ما رسید. اقدام بجا و صحیح نهادهای انقلابی در مورد آزاد کردن محمدقلی پناهی وحدت، موجب خوشحالی است.